غربت عشق



محمد دولتی


بسم الله الرحمن الرحیم

غربت عشق

نویسنده:

محمد دولتی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

غربت عشق

مشخصات کتاب

عنوان غربت عشق مجموعه آیات مرتبط با فضائل امامت و زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام همراه با زیارتنامه حضرت

پدیدآورنده دولتی، محمد، ۱۳۴۲ -

موضوع علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۱۵۳ - ق۲۰۳. - فضایل = علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۱۵۳ - ق۲۰۳. - زیارتنامه ها

شماره ردیف ۱۳۱۲۴۴

مابقی فیلدها {۱۱۷} = {۱۹} = ۲۸۳۱{۱۵۹}/۵۰/۸۰ = {۱۵۹}۱ = {۱۵۹}I = {}اختری د

شماره ثبت ۱۱۲۷۲۷۰۴

شرح پدیدآور تالیف محمد دولتی (نجم الثاقب)

سال نشر ۹۶۴-۶۰-۲۶۳۹-۲

شماره دیویی ۲۹۷ / ۹۵۷ د ۷۸۷ غ

نوع NO

فروست از سری کتب بشری للمومنین، ۲

یادداشت کتابنامه: ص. ۱۴۱][-۱۴۲؛ همچنین به صورت زیرنویس = ۲-۹۳۶۲-۶۰-۴۶۹ NBSI

نسخه

محل نگهداری ۱۱

وارد کننده اطلاعات

آنچه در این مجموعه می خوانید

- نتیجه ی اطاعت و پیروی از حضرت رضا علیه السلام

- برابری زیارت امام رضا علیه السلام با عمره ی خانه ی خدا.

- حرمت ویژه ی حضرت رضا علیه السلام.

- شفاعت آن حضرت، به واسطه ی مقام محمود.

- خاک طوس، خاک بهشت است.

- علم فوق العاده ی حضرت امام رضا علیه السلام.

- کیفر منکران ولایت آن حضرت.

- امام رضا علیه السلام هان بشری که اطاعتش واجب است!

- درک درجه ی امام در بهشت، با اعتراف به غربت ایشان در زیارت.

- زیارت آن حضرت یعنی رو به خدا کردن!

- پاداش زیارت: حشر با امام رضا علیه السلام، عامل اصلی آمرزش گناهان، و - نجات از گرفتاری ها.

- عارف به حق حضرت رضا علیه السلام بودن چیست؟

[صفحه ۶]

گزیده ی شعری در مدح حضرت رضا

السلام علیک یا علی بن موسی الرضا علیه السلام

این حریم کیست کز جوش ملائک روزبار

نیست در وی پرتو خورشید را راه گذار

این همایون بقعه یا رب از کدامین سرور است

کز شرافت می زند پهلو به عرش کردگار

سرور دنیا و دین سلطان علی موسی الرضا

آن که دارد همچو دل در سینه ی عالم قرار

گوهر بحر ولایت کز ضمیر انورش

هر چه در نه پرده پنهان بود، گرید آشکار

آن که گر اوراق فضلش را به روی هم نهند

چون لباس غنچه گردد چاک، این نیلی حصار

آسمان از باغ قدرش غنچه ی نیلوفری است

یک گل رعناست از گلزار او لیل و نهار

مهره ی مومی است در سر پنجه ی او آسمان

می دهد او را به هر شکلی که می خواهد قرار

آنچه تا روز جزا در پرده ی شب مختفی است

پیش علم او بود چون روز روشن آشکار

[صفحه ۷]

همچو معنی در ضمیر لفظ، پنهان گشته است

در رضای او رضای حضرت پروردگار

شکوه ی غربت، غریبان را ز خاطر بار بست

در غریبی تا اقامت کرد آن کوه وقار

وه چه گویم از صفای روضه ی

پر نور او

کز فروغش کور روشن می شود بی اختیار

می توان خواند از صفای کاشی دیوار او

عکس خط سرنوشت خلق را شب های تار

روضه ی پر نور او را زینتی در کار نیست

پنجه ی خورشید مستغنی است از نقش و نگار

همچو اوراق خزان، بال ملائک ریخته است

هر کجا پا می نهی در روضه ی آن شهریار

می توان رفتن به آسانی به بال قدسیان

از حریم روضه ی او تا به عرش کردگار

اشک شمع روضه ی او را ز دست یکدگر

حور و غلمان می ربایند از برای گوشوار

نقد می سازد بهشت نسیه را بر زائران

روضه ی جنت مثالش در دل شب های تار

حسن خلقش دل نمی بخشید اگر زوار را

آب می شد از شکوهش زهره ها بی اختیار

روز محشر سر برآرد از گریبان بهشتر

هر که اینجا طوق، بر گردن گذارد بنده وار

[صفحه ۸]

می کند با اسب چوب از آتش دوزخ گذر

هرکه را تابوت گردانند، گرد این مزار

چشمه ی کوثر به استقبالش آید روز حشر

هر که را زین آستان بر جبهه بنشیند غبار

از فشار قبر تا روز جزا آسوده است

هر که اینجا از هجوم زائران یابد فشار

هر که باشد در شمار زائران درگهش

می تواند شد شفیع عالمی روز شمار

آتش دوزه نمی گردد به گردش روز حشر

از سر اخلاص هر کس گشت گرد این مزار

بر جبین هر که باشد سکه ی اخلاص او

از لحد بیرون خرامد چون زر کامل عیار

هر که شمع نیم سوزی برد با خود زین حریم

ایمن از تاریکی قبر است تا روز شمار

می گذارد هر که در پایین پای او نماز

می دهد بالای سر، فردوس جایش را قرار

می گشایم چشم، زیر خاک بر روی بهشت

هر که از خاک درش با خود برد یک سرمه وار

برجبین هر که بنشیند غبار درگهش

داخل جنت شود از گرد ره بی انتظار

آن که باشد یک طواف مرقدش هفتاد حج

چون تواند کرد فضلش را شمار

(صائب تبریزی)

[صفحه ۹]

مقدمه

آنچه در دست دارید، مجموعه ای است مدون از آیات، روایات، ادعیه و زیارات، که با استناد به برخی از آنها، برخی دیگر، راز گشایی شده است؛

و راز صفات والای آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام، رازی است که در هر جا پدیدار و هویداست، ولی کسی از این راز شگرف سخنی بر زبان نمی آورد و بدان نمی اندیشد. باید گفت که ائمه ی طاهرین علیهم السلام در همه جای قرآن متبلورند و هر آنچه از خوبی، شایستگی و نیکی در قرآن ذکر گردیده، همه اش در مدح و منقبت آن بزرگواران است، همه اش وصف صفات متعالی ایشان و اوصاف والای رهروان و شیعیان راستین ایشان است؛ و هر آنچه از بدی و خبث طینت متذکر گشته، جملگی صفات دشمنان و معاندان ایشان و در بیان رذالت هم کیشان و پیروان این معاندان است. و براستی این نیست؛ مگر آنکه انبیاء سلف و اولیاء الهی گذشته، مبعوث شدند تا بشر را به هدایت حقیقی رهنمون باشند، و هر کدام تا حدودی کم و بیش، در این مسیر، به هدف نزدیک شدند، اما آنچه به انجام رسید، یکجا در ختم رسل، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله جمع گردید و هر آنچه از هدایت لازم بود، بر مردم ابلاغ نمود، و نبود جز آنکه این ابلاغ هدایت و سعادت را، آل محمد علیهم السلام بر مردم منکشف نموده و برایشان بازگو کردند و در

[صفحه ۱۰]

توضیح و تبیین آن، از هیچ کوششی فروگذار ننمودند. پس قرآن و عترت، بازگو کننده ی یکدیگر و مؤید یکدیگرند، قرآن از رموز ذات ائمه علیهم السلام و فضایل ایشان

می گوید و ائمه علیهم السلام از رموز هدایت پیشگی قرآن، که آن هم نیست، مگر تبلور وجود نازنین خود ایشان در این کتاب شریف.

و اما آنچه در این مجموعه کتب [بشری للمؤمنین] هدف ماست:

۱. برقراری ارتباط شیعه با پیشوایان و امامان خویش.

۲. تبیین و توضیح، آیاتی از قرآن که در مدح و وصف ائمه هدی علیهم السلام – و پیروان خلص ایشان – و یا به نوعی در شأن نزول، مرتبط با آنان و یا در بیان فضائل وجود ائمه علیهم السلام و برتری آنان بر تمام خلقت و ایستادن ایشان بر قله ی رفیع انسانیت و اشرفیت مخلوقات، با استناد بر نص صریح روایات، ادعیه و زیارات معتبره ی وارده از رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه ی اطهار علیهم السلام – و بالاخص در این مجال: آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام – می باشد.

۳. و اینکه اگر قرآن کتاب هدایت بشر است، از چه جهت است؟! آیا صرفا عمل کردن به ظاهر قرآن بدون توجه به باطن و عمق آن، راز هدایت و سعادت بشری است؟ و «فریاد قرآن» تنها در ظاهر آنست که خلایق را فرامی خواند؟! یا باید توجه داشت که پروردگار با این عظمت و آفریننده ی این مصح عظیم و بی نظیر، صرفا اهداف ظاهری قرآن را مدنظر نداشته، بلکه به علت وجود شرایط خاص موجود اجتماعی، ظرفیتهای انسانی و یا بخاطر آزمایش بشر، که آیا خواستار هدایت و نیکبختی است یا خیر و ...، از بیان مستقیم عوامل گوناگونی که در هدایت بشر مؤثر بوده، خودداری فرموده و انسان را برای یافتن این راه پر سعادت – جهت تبیین، توضیح و تفسیر حقیقی آیات

قرآن – به سوی صاحبان این صراط مستقیم یعنی محمد و آل محمد علیهم السلام هدایت فرموده است.

[صفحه ۱۱]

– نکته ی قابل ذکر آنکه، در قرآن کریم:

۱. دسته ای از آیات مرتبط با ولایت، در توصیف فضائل اختصاصی حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است – مانند آیه ی ۲۰۷ سوره ی بقره؛ آیه ی ۵۵ سوره ی مائده و ...

۲. و دسته ای دیگر در بیان فضائل و مناقب اشتراکی ائمه ی هدی علیهم السلام است؛

۳. و اما مابین این آیات، برخی در بیان شأن، مقام و منزلت، یک وجود نازنین از این بزرگواران است.

استحضارا، ائمه هدی علیهم السلام «کلهم نور واحد» اند، و فی الجمله از تمام صفات نیکو در حد تام و کمال برخوردارند، اما به مشیت الهی، هر یک از این صفات حسنه در یکی از این بزرگواران در نظر عامه ی مردم تجلی یافته و بدان صفت شهرت یافته اند، و البته این متأثر از روایات رسیده از اجداد طاهرین ایشان به مردم آن روزگار بوده که هر کدام از آل محمد علیهم السلام را با صفتی برشمرده و معرفی نموده اند؛

– و البته یکی از اهداف اختصاصی ما در این مبحث، بررسی و بیان صفات و القابی از آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام است.

– مطالبی که در این صفحات گنجیده، برگرفته از آن دسته آیاتی است که:

۱. یا در بیان فضائل اختصاصی، حضرت امام رضا علیه السلام است؛

۲. و یا آیاتی که در روایات وارده، منتسب به سایر ائمه علیهم السلام نیز می باشد، ولی به علت کثرت استعمال این آیات، در بیان شأن، مقام و منزلت آن امام همام – یعنی آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام، مختص ایشان گشته است.

و اما علت این انتخاب

آن است که سر تعظیمی بر آستانش بسائیم و هر آنچه در بضاعت و توان است، هر چند مختصر و قطره وار، جهت عرض ارادت و

[صفحه ۱۲]

تسکین غربت دل آن جناب، به پیش کشی بفرستیم. غربتی که از آن جناب در روایات ذکر گردیده با غربت دیگر ائمه ی طاهرین علیهم السلام متفاوت است و من باب کمی زائر و دور افتادگی از پیروان و شیعیان و یا مظلومیت در شهادت نیست، بلکه تمام این عوامل جمعند و عامل اصلی این غربت، از جهت بعد مسافت و دور افتادگی آن حضرت از جد عالی مقام خویش، رسول الله صلی الله علیه و آله و تدفین در شهر و دیاری دور از وطن اجدادی است، که به هیچ طریق قابل تسکین و جبران نیست؛ و ما بر آن بوده ایم که هر چند مختصر و ناقص، تنها در عرض ارادت و خاکساری کوشا باشیم.

در پایان، از باب «من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالص»، بجاست که از زحمات تمامی عزیزانی که به طرق گوناگون، در راستای نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، با تلاش بی وقفه ی خویش ما را یاری نموده اند، من جمله «جناب آقای عنایت الله بنی احمدی» و «برادر گرامی جناب آقای مهران اشجع» تشکر و قدردانی شود.

از خداوند متعال درخواست می نمائیم که، ما را در شناخت روزافزون فضائل محمد و آل محمد علیهم السلام، و اشاعه ی حقیقی آن و اثبات تبلور ذاتی این بزرگواران، در زندگانی، یاری مان نماید.

ان شاء الله – و من الله التوفیق

ذی الحجه الحرام ۱۴۲۳

قم المقدسه / الاحقر محمد دولتی

[صفحه ۱۴]

انکار امامت حضرت رضا

ان الذین یکتمون ما أنزلنا من البینت و الهی من بعد ما بینه للناس فی

الکتـاب أولئـک یلعنهم الله و یلعنهم اللاعنون (۱۵۹) الا ـ الـذین تـابو و أصـلحوا و بینوا فأولئک أتوب علیهم و أنا التواب الرحیم (۱۶۰) ان الـذین کفروا و مـاتوا و هم کفـار أولئـک علیهم لعنه الله و الملا ـئکه و النـاس أجمعین (۱۶۱) خالـدین فیها لا یخفف عنهم العذاب و لا هم ینظرون

(بقره ۱۵۹ تا ۱۶۲)

ترجمه: به درستی کسـانی که دلائـل روشن، و وسـیله ی هـدایتی را که نازل کرده ایم، بعـد از آنکه در کتاب، برای مردم بیان نمـودیم، کتمـان کننـد، خـدا آنهـا را لعنت می کنـد، و همه ی لعن کننـدگان نیز، آنهـا را لعن می کننـد؛ مگر آنهـا که توبه و بازگشت کردند، و (اعمال بد خود را) اصلاح نمودند، (و آنچه را کتمان کرده بودند، آشکار ساختند)؛ من توبه ی آنها را می پـذیرم، که من توبه پذیر و مهربانم. به درستی کسانی که کافر شدند، و در حال کفر از دنیا رفتند، لعنت خداوند و فرشـتگان و همه ی مردم بر آنها خواهد بود؛ همیشه در آن (در لعن و دوری از رحمت پروردگار) باقی می مانند؛ نه در

[صفحه ۱۵]

عذاب آنان تخفیف داده می شود و نه مهلتی خواهند داشت.

کیف یهـدی الله قومـا کفروا بعـد ایمـانهم و شـهدوا أن الرسول حق و جآءهم البینات والله لایهـدی القوم الظالمین (۸۶) أولئک جزآؤهـم أن علیهم لعنه الله و الملا ـئکه و النـاس أجمعین (۸۷) خالـدین فیهـا لا یخفف عنهم العـذاب و لا هم ینظرون (۸۸) الا الذین تابوا من بعد ذلک و أصلحوا فان الله غفور رحیم (۸۹)

(آل عمران ۸۶ تا ۸۹)

ترجمه: چگونه خداونـد جمعیتی را هـدایت می کنـد که بعـد از ایمان و گواهی به حقانیت رسول، و آمـدن نشانه های روشـن برای آنها، کافر شدند؟! و خدا،

جمعیت ستمکاران را هدایت نخواهد کرد. (کیفر آنها این است که) لعن خداوند و فرشتگان و تمامی مردم بر آنهاست. همواره در این لعن (و طرد و نفرین) می مانند؛ مجازات شان تخفیف نمی یابد، و به آنها مهلت داده نمی شود؛ مگر کسانی که پس از آن، توبه کنند و (در مقام جبران گناهان، و کفر گذشته ی خویش، اعمالشان را) اصلاح نمایند؛ زیرا خداوند آمرزنده و بخشنده است.

حدیث ۱: عن أباابراهیم علیه السلام قال لهما - یعنی زیاد القندی و ابن مسکان-:

[صفحه ۱۶]

ان جحدتماه حقه یعنی الرضا علیه السلام، أو ختنتماه، فعلیکما لعنه الله و الملائکه و الناس أجمعین! [۱].

ترجمه: حضرت امام کاظم علیه السلام به زیاد قندی و ابن مسکان (که از منکران و کافران به امام رضا علیه السلام بودند)، فرمودند: اگر حق (امامت حضرت) رضا علیه السلام را منکر شوید، یا به او خیانت کنید، پس لعنت خدا و ملائکه و همه ی مردم بر شما باد!

حدیث ۲: عن ابن سنان، عن أبی الحسن موسی علیه السلام فی حدیث، أنه قال - و علی (الرضا علیه السلام) ابنه جالس بین یدیه -: من ظلم ابنی هذا حقه، و جحده امامته من بعدی، کان کمن ظلم علی بن ابیطالب علیه السلام حقه و جحده امامته بعد رسول الله صلی الله علیه و آله. [۲].

ترجمه: ابن سنان در حدیثی نقل می کند که: حضرت کاظم علیه السلام هنگامی که فرزندش علی (بن موسی الرضا علیه السلام) در مقابل ایشان نشسته بود، فرمودند: هر که حق این پسرم را با ظلم بگیرد، و بعد از من امامت او را انکار کند، مثل کسی است که حق علی بن ابیطالب علیه السلام را با ظلم ربوده، و امامت او را بعد از رسول

الله صلی الله علیه و آله منکر شده!

[صفحه ۱۸]

برابری زیارت حضرت با حج عمره

یسئلونک عن الأهله قل هی مواقیت للناس و الحج و لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهورها و لکن البر من التقی و أتوا البیوت من أبوابها و اتقوالله لعلکم تفلحون (۱۸۹)

(بقره ۱۸۹)

ترجمه: درباره ی «هلالهای ماه» از تو سؤال می کنند؛ بگو: آنها، بیان اوقات، برای (نظام زندگی) مردم و (تعیین زمان، و ماههای) حج است.

پرسش: چه ارتباط، و شباهتی میان حضرت رضا علیه السلام و زیارت ایشان، با خانه کعبه، حج و بالأخص عمره وجود دارد؟!

پاسخ: این شباهت فوق العاده، و این پیوستگی، از چند جنبه قابل دقت و بررسی است:

شباهت های فراوان زیارت خانه ی خدا (عمره ی مفرده) با زیارت امام رضا علیه السلام

الف) از جهت تعداد، و نام ماههای مشخص شده، برای عمره ی مفرده و زیارت حضرت رضا علیه السلام:

با دقت و بررسی در روایات رسیده، رابطه و تناسب بسیار عمیق و

[صفحه ۱۹]

نزدیکی میان عمره، و زیارت حضرت رضا علیه السلام یافت می شود، که آن رابطه، از جهت تعداد، و نام ماههای مشخص شده برای هر و عمل (عمره خانه ی خدا، و زیارت حضرت رضا علیه السلام!) می باشد؛ چرا که در بیان روایات، هر چند در تمامی اوقات و ماههای سال می توان عمره و یا زیارت امام رضا علیه السلام را انجام داد، و از ثواب و فضیلت آن بهره مند شد؛ اما اوقات و ماههایی مشخص، در طول سال، برای کسب فضیلت، و ثواب مضاعف و فوق العاده از زیارت خانه ی خدا و مرقد مطهر و منور حضرت رضا علیه السلام، تعیین شده اند. این ماهها، که هم برای فضیلت خاص زیارت کعبه ی معظمه (عمره ی مفرده)، و هم برای فضیلت خاص زیارت مضجع شریف و

نورانی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام مشخص، و تعیین گردیده اند، عبارتند از:

«ماه شریف رجب، ماه مبارک رمضان و ماه حرمت دار ذیقعده)

- احادیث زیارت خانه خدا (عمره ی مفرده):

«اولویت اول: ماه رجب المرجب)

حدیث ۱: عن معاویه بن عمار، عن أبی عبدالله علیه السلام قال: المعتمر یعتمر فی أی شهور السنه شاء، و أفضل العمره، عمره رجب. [۱۵].

ترجمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: زائر (خانه ی خدا)، در هر ماه از سال بخواهد، زیارت می کند [اجازه و اختیار؛ و ثواب داده می شود]، اما با فضیلت ترین عمره، عمره ی ماه رجب است.

[صفحه ۲۰]

حدیث ۲: محمد بن الحسن فی «المصباح» قال: روی عنهم علیهم السلام، أن العمره فی رجب، تلی الحج فی الفضل. [۱۴].

ترجمه: جناب شیخ طوسی رحمه الله در کتاب ارزشمند «مصباح المتهجد» گوید: از ائمه علیهم السلام روایت شده که عمره ی ماه رجب، در فضیلت، با حج برابری و هم ترازی می کند!

حدیث ۳: عن أبی عبدالله علیه السلام قال: فأفضل العمره، عمره رجب. [۱۵].

ترجمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: پس (بدانید)، با فضیلت ترین عمره، عمره ی ماه رجب است.

حدیث ۴: عن زراره، عن أبی جعفر علیه السلام - فی حدیث - قال: و أفضل العمره، عمره رجب. [۱۴].

ترجمه: راوی، از امام باقر علیه السلام در حدیثی مفصل نقل کرده، که فرمودند: با فضیلت ترین عمره، عمره ی رجب است.

حدیث ۵: عن معاویه بن عمار، عن أبی عبدالله علیه السلام أنه سئل: أی العمره أفضل عمره فی رجب أو عمره فی شهر رمضان؟ فقال: لا، بل عمره فی رجب أفضل. [۱۵].

ترجمه: راوی گوید از امام صادق علیه السلام سؤال شد که: کدام عمره با فضیلت تر (أفضل) است، عمره ی ماه رجب، یا عمره ی ماه رمضان؟ امام علیه السلام فرمودند: بلکه عمره ی ماه رجب با

[صفحه ۲۱]

فضیلت تر است. (یعنی

با تمامی فضائلی که برای عمره، در ماه مبارک بیان شده - که ان شاء الله در ادامه ی بحثها خواهد آمد - باز هم، اولویت اول، در فضیلت خاص، همان عمره در ماه رجب است!)

«اولویت دوم: ماه رمضان المبارک»

حدیث ۱: عن علی بن مهزیار، عن علی بن حدید قال: کنت مقیما بالمدینه فی شهر رمضان سنه ثلاث عشره و مأتین، فلما قرب الفطر کتبت الی أبی جعفر علیه السلام أسأله عن الخروج فی عمره شهر رمضان أفضل، أو أقیم حتی ینقضی الشهر و اتم صومی؟ فکتب الی کتابا قرأته بخطه: سألت - رحمک الله - عن أی العمره أفضل؟ عمره شهر رمضان أفضل، یرحمک الله. [۱۴].

ترجمه: راوی گوید: در نامه ای از «فضیلت عمره ی ماه مبارک رمضان»، از حضرت باقر علیه السلام سؤال کردم؟ پس نوشته ای با خط، آن حضرت در پاسخ سؤال من - آمد که، نوشته بود: خدا تو را رحمت کند، از اینکه کدام عمره با فضیلت تر است، سؤال کردی؟ (بدان که) عمره ی ماه مبارک رمضان با فضیلت ترین عمره هاست (البته بعد از ماه رجب!)؛ خداوند تو را رحمت کند.

حدیث ۲: عن حماد بن عثمان قال: کان أبوعبدالله علیه السلام اذا أراد العمره انتظر الی صبیحه ثلاث و عشرین من شهر رمضان، ثم یخرج مهلا فی ذلک الیوم. [۱۵].

[صفحه ۲۲]

ترجمه: راوی گوید: هرگاه حضرت صادق علیه السلام اراده ی انجام عمره را - در ماه مبارک رمضان - می نمودند، (از ابتدای ماه مبارک) تا صبح روز بیست و سوم این ماه، برای انجام عمره، در خانه ی خدا و مکه می ماندند، سپس در آن روز، از مکه خارج می شدند! (یعنی به دلیل اهمیت فراوان، و فضیلت فوق العاده ی انجام عمره

در ماه مبارک رمضان، هرگاه ایشان در آن ایام در مکه حضور داشتند، حتما در آنجا مانده و از فضیلت خاص آن ماه در کنار خانه ی خدا بهره مند می شدند!).

«اولویت سوم: ماه ذی القعده الحرام»

- توجه، به تکرر عمره در ماه ذی القعده، توسط رسول الله صلی الله علیه و آله:

حدیث ۱: عن سماعه، عن أبی عبدالله علیه السلام قال: ذکر أن رسول الله صلی الله علیه و اله اعتمر فی ذی القعده ثلاث عمر کل ذلک توافق عمرته ذی القعده. [۱۴].

ترجمه: راوی از امام صادق علیه السلام نقل کرده، که فرمودند: رسول اکرم صلی الله علیه و آله در سه سال (متوالی) در ماه ذی القعده، عمره بجا می آوردند، که تمامی این عمره ها، در ماه ذی القعده قرار داشت.

حدیث ۲: عن أبان بن تغلب، عن أبی عبدالله علیه السلام قال: اعتمر رسول الله صلی الله علیه و آله عمره الحدیبیه و قضی الحدیبیه من قابل، و من الجعرانه حین أقبل من الطائف، ثلاث عمر کلهن فی ذی القعده.

ترجمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول الله صلی الله علیه و آله عمره بجا

[صفحه ۲۳]

می آوردند ... تمامی این سه عمره در ماه ذی القعده بود.

- احادیث زیارت حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام.

«اولویت اول: ماه رجب المرجب»

حدیث: عن محمد بن سلیمان، قال: سألت أباجعفر الثانی علیه السلام عن رجل حج حجه الاسلام، فدخل متمتعا بالعمره الی الحج فأعانه الله علی عمرته و حجه، ثم أتی المدینه فسلم علی النبی صلی الله علیه و آله، ثم أتاک عارفا بحقک، یعلم أنک حجه الله علی خلقه، و بابه الذی یؤتی منه، فسلم علیک، ثم أتی أباعبدالله الحسین علیه السلام فسلم علیه، ثم أتی بغداد فسلم

علی أبی الحسن موسی علیه السلام، ثم انصرف الی بلاده، فلما کان فی وقت الحج رزقه الله الحج، فأیهما أفضل: هذا الذی قد حج حجه الاسلام یرجع أیضا فیحج، أو یخرج الی خراسان الی أبیک علی بن موسی علیه السلام فیسلم علیه؟ قال: بل تأتی خراسان فیسلم علی أبی الحسن علیه السلام، أفضل، ولیکن ذلک فی رجب و لا ینبغی أن تفعلوا هذا الیوم، فان علینا و علیکم من السلطان شنعه. [۱۵].

ترجمه: راوی گوید از امام جواد علیه السلام پرسیدم: شخصی حج واجب خود را – که برای هر انسانی تنها یکبار و آن هم در زمان استطاعت، واجب می شود – انجام داده، سپس به مدینه رفته و بر پیامبر صلی الله علیه و اله سلام داده؛ سپس با عرفان و آگاهی به حق شما، به سوی تان آمده (یعنی رو به شما اهل بیت پیغمبر علیهم السلام نموده!) و می داند که شما حجت خدا بر

[صفحه ۲۴]

مخلوقاتش، و راه و درب اصلی برای رسیدن به او هستید، پس بر شما سلام کرد؛ سپس به زیارت ابی عبدالله الحسین علیه السلام رفته و بر ایشان سلام کرد؛ سپس به بغداد (کاظمین)، و به زیارت امام کاظم علیه السلام رفته و پس از آن به سوی شهر و دیار خویش بازمی گردد؛ پس در سال بعد، در زمان حج، خداوند، مجددا حج را قسمت او می نماید؛ حال، کدامیک از این اعمال با فضیلت تر است: در حالی که حج واجب خود را انجام داده، دوباره حج انجام دهد، یا اینکه (در عوض) به سوی خراسان برای زیارت پدر شما، علی بن موسی (الرضا علیه السلام) رفته، و برایشان سلام نماید؟ حضرت جواد علیه السلام فرمودند: بلکه اگر به خراسان رفته

و به زیارت امام رضا علیه السلام برود، با فضیلت تر است، و البته (این جایگزینی زیارت حضرت رضا علیه السلام، بجای حج) بهتر است در ماه رجب باشد. (سپس حضرت، به جهت خفقان شدید عباسیان، و حفظ جان شیعیان فرمودند:) و البته در این زمان این کار - جایگزینی - جایز نیست، چرا که بر ما و شما، از خلیفه، خوف آسیب رساندن است.

بنابراین اگر شخصی خواست، در عوض حج (به جز حج واجب خویش)، و به جهت کسب فضال بیشتر، و والاتر، به زیارت حضرت رضا علیه السلام برود، آن زیارت را در ماه رجب المرجب انجام دهد، تا از عالی ترین فیوضات، و کمالات معنوی، که در آن ماه شریف قرار

[صفحه ۲۵]

دارد، بهره مند گردد!

جمع اولویتها:

«اههای رجب المرجب، رمضان المبارک و ذی القعده الحرام»

مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمه الله، در کتاب شریف مفاتیح الجنان، بخش زیارت حضرت رضا علیه السلام، در جمع بندی روایات ارزشمندی که در همان کتاب، در فضیلت حضرت رضا علیه السلام آورده، می فرماید:

زیارت آن حضرت (امام رضا علیه السلام) در ایام و اوقات شریفه ای که مختص به آن حضرت است، فضیلت بسیار دارد، خصوصا در ماه رجب، و ذی القعده (خصوصا ۲۳ و ۲۵ این ماه)، و ماه مبارک رمضان (بالاخص ششم آن ماه)، چنانچه در جای خود، در مفاتیح بدان پرداخته شده، و (نیز زیارت ایشان) غیر از این روزها، از ایام دیگر سال که به آن حضرت اختصاص دارد (مورد تأکید می باشد).

جمع بندی، و نتیجه گیری بحث:

با توجه به مختصر، مطالبی که بیان شد، برابر بودن حج مستحبی یا عمره، با زیارت حضرت رضا علیه السلام، و بلکه أفضل بودن زیارت بر حج، به وضوح آشکار می گردد؛ یعنی

اگر شخصی، حج واجب خود را - که در طول مدت عمر، تنها یکبار برعهده ی اوست - انجام دهد، برای دفعات آینده، که خداوند شرایط زیارت خانه ی خود را برای او فراهم می گرداند، مابین دو زیارت (زیارت خانه ی خدا و زیارت حضرت رضا علیه السلام) مخیر بوده و بلکه در صورت تمایل، جهت کسب

[صفحه ۲۶]

فضائل بیشتر و والاتر، باید زیارت حضرت رضا علیه السلام را انتخاب نماید.

البته، فهم و درک، و میزان پذیرش قلبی چنین مطلب عظیمی، احتیاج به تأمل و تدبر فراوان، و بررسی روایات متعدد رسیده، در این راستا دارد؛ و قطعا بر همین اساس است که در بسیاری از کتب علمای بزرگوار تشیع، من جمله مجموعه ی ارزشمند «وسائل الشیعه»، بابی با نام «استحباب اختیار زیاره الامام الرضا علیه السلام علی الحج و العمره المندوبین» یعنی: «مستحب بودن، انتخاب زیارت امام رضا علیه السلام بر حج و عمره ی مستحبی (نه واجب)»! گشوده شده، و در آنها، روایاتی موثق از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه ی هدی علیهم السلام در این راستا آمده است، من جمله:

حدیث ۱: محمد بن یعقوب الکلینی باسناده عن یحیی بن سلیمان المازنی، عن أبی الحسن موسی علیه السلام قال: من زار قبر ولدی علی، کان عندالله کسبعین حجه مبروره؛ قال: قلت: سبعین حجه؟ قال: نعم، و سبعین ألف حجه!

قال: قلت: سبعین ألف حجه؟ قال: رب حجه لا تقبل، من زاره و بات عنده لیله کان کمن زار الله فی عرشه؛ قلت: کمن زار الله فی عرشه؟! فقال: نعم، اذا کان یوم القیامه کان علی عرش الرحمن أربعه من الأولین، و أربعه من الآخرین؛ فأما الأربعه الذین هم من الأولین: فنوح و

ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام، و أما الأربعه من الآخرین: محمد و علی و الحسن و الحسین علیهم السلام، ثم یمد الطعام فیقعد معنا زوار قبور الأئمه، الا أن أعلاهم درجه، و أقربهم حبوه زوار قبر ولدی علی علیه السلام. [۱۴].

[صفحه ۲۷]

ترجمه: شیخ کلینی با سندهای خویش، از امام کاظم علیه السلام نقل کرده که فرمودند: کسی که مرقد فرزندم علی (الرضا علیه السلام) را زیارت نماید، در نزد خداوند همانند (ثواب) هفتاد حج مقبول می باشد؛ راوی گوید، (با تعجب) عرضه داشتم: هفتاد حج؟! امام فرمودند: آری، بلکه هفتاد هزار حج! راوی با تعجب و شگفتی گوید، عرضه داشتم: هفتاد هزار حج؟! امام کاظم علیه السلام فرمودند: چه بسا حجی که قبول نگردد! (و نیز) کسی که او را زیارت کرده، و یک شب نزد (مرقد مطهر) او بماند، همانند آن است که خداوند جل جلاله را در عرشش زیارت کرده! (راوی گوید با تعجب) عرض کردم: همانند کسی است که خداوند را در عرش زیارت کرده؟! امام علیه السلام فرمودند: هنگامی که روز قیامت شود، (به عنوان استوانه ها و برپا دارندگان) عرش خداوند رحمن، بر پایه ی (عظمت) چهار نفر از اولین و چهار نفر از آخرین، استوار می باشد؛ پس چهار نفری که از اولینند همان: نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام بوده، و چهار نفری که از آخرین هستند: محمد و علی و حسن و حسین علیهم السلام می باشند؛ سپس سفره ی پاداش، و بر الهی (برای بندگان ویژه) گسترده شده، و زوار قبور تمامی ائمه علیهم السلام با ما می نشینند، مگر بالاترین درجه، و نزدیکترین به عندالله (و خان و کرم خاص الهی)، که زائران

[صفحه ۲۸]

قبر فرزندم علی

(رضا علیه السلام) می باشند!

توضیح بسیار مهم:

۱. اینکه امام کاظم علیه السلام در این حدیث شریف فرموده اند: «رب حجه لا تقبل»، یعنی: «چه بسا حجی که مورد قبول واقع نشود»!؛

اولا: بیان تعداد هفتاد هزار حج می تواند دلیل بر کثرت فراوان باشد؛ و ثانیا: منظور آن است که، اگر شخصی، تعداد بی شماری (قریب هفتاد هزار) حج انجام دهد، اما برخی از آنها مورد قبول درگاه حق تعالی قرار نگیرد، دیگر هرگز با زیارت حضرت رضا علیه السلام برابری نخواهد کرد. یعنی ارزش زیارت حضرت رضا علیه السلام در پیشگاه خداوند متعال، آن قدر والاست، که چه بسا اگر شخصی تمامی شرایط لازمه جهت زیارت ایشان را نداشته باشد، باز هم زیارت او - به یمن وجود پربرکت، و وساطت آن حضرت - مورد قبول درگاه حق تعالی قرار می گیرد، بالعکس حج؛ که حتما باید تمامی شرایط لازمه را دارا باشد.

بنابراین اگر بر فرض، خداوند منان، به شخصی، زیارت خانه خود را مکرراً در طول عمر، قسمت نماید، شاید تمامی حج ها و عمره های مستحبی او تا آخر عمر، با یک زیارت حضرت رضا علیه السلام برابری نماید!!

۲. بی شک میزان قبولی و ذخیره ی اعمال، در درگاه حق، رضایت و پذیرش ذات اقدس الهی از اعمال و رفتار انسان است، نه هواهای نفسانی ما، که در خیال خود، به عنوان رضایت الهی شمرده می شود.

یعنی با استناد بر آیات کریمه، و روایات شریفه باید ملاک پذیرش،

[صفحه ۲۹]

و قبولی هر کدام از دستورات اسلام را استخراج کرده و بر اساس آن، عمل نمود، تا مورد عنایت و قبول حق تعالی قرار گیرد! هر چند که ممکن است درک آن معیار و میزان، برای برخی، بسیار

دشوار باشد. که به عنوان نمونه می توان به «فضیلت فراوان افطار روزه ی مستحبی، پس از تعارف نمودن شخصی دیگر، حتی بدون بیان روزه بودن»! اشاره نمود.

به هر حال، اگر در دل ما (با توجه به روایات رسیده)، باز هم، ارجحیتی بی دلیل در زیارت خانه خدا، نسبت به زیارت امام رضا علیه السلام پیش آید، جای بسی تأمل در نیات می باشد!

حدیث ۲: عن أحمد بن أبی نصر البزنطی، قال: قرأت فی کتاب أبی الحسن الرضا علیه السلام، أبلغ شیعتی أن زیارتی تبلغ (تعدل) عندالله عزوجل ألف حجه، قال: فقلت لأبی جعفر علیه السلام: ألف ألف حجه؟! قال: ای و الله، و ألف حجه لمن زاره عارفا بحقه. [۱۵].

ترجمه: راوی گوید: در وصیت حضرت رضا علیه السلام خواندم که نوشته بودند: به شیعیانم برسانید که هر کس مرا زیارت نماید، زیارت او نزد خداوند متعال با هزار حج برابری می کند؛ راوی گوید (با شگفتی)، به امام جواد عرض کردم: هزار حج؟! امام جواد علیه السلام فرمودند: به خدا قسم آری؛ و بلکه هزار هزار حج نوشته می شود برای کسی که حضرت رضا علیه السلام را با عرفان به حق ایشان، زیارت نماید.

[صفحه ۳۰]

ب) از جنبه ی آمرزش تمامی گناهان:

حدیث زیارت خانه ی خدا: عن النبی صلی الله علیه و آله أنه قال: الحجه ثوابها الجنه، و العمره کفاره لکل ذنب ... [۱۴].

ترجمه: از نبی اکرم صلی الله علیه و اله نقل شده که فرمودند: ثواب حج، بهشت؛ و (پاداش) عمره، کفاره ی تمامی گناهان می باشد.

حدیث زیارت حضرت رضا علیه السلام: عن أمیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام قال: سیقتل رجل من ولدی بأرض خراسان بالسم ظلما، اسمه اسمی، و اسم أبیه اسم موسی بن عمران علیه السلام، ألا فمن زاره فی غربته

غفرالله له ذنوبه ما تقدم منها و ما تأخر، و لو كانت مثل عدد النجوم و قطر الأمطار و ورق الأشجار. [۱۵].

ترجمه: حضـرت اميرالمؤمنين على بن ابيطالب عليه السـلام فرمودند: بزودى مردى از فرزندان من در سرزمين خراسان، با سم و زهر جور و عـدوان كشـته خواهـد شـد؛ نام او، نام من، و نام پـدرش، نام موسـى بن عمران عليه السـلام مى باشد؛ آگاه باشـيد! كسـى كه او را در غربتش زيارت كنـد، خداونـد، گناهان گذشـته و آينـده ى او را مى آمرزد، اگر چه گناهانش همانند تعداد ستارگان، و قطرات باران، و تعداد برگهاى درختان باشد!

[صفحه ۳۲]

نتيجه ى اطاعت از حضرت رضا

لاـ اكراه فى الـدين قـد تبين الرشـد من الغى فمن يكفر بالطاغوت و يؤمن بالله فقـد اسـتمسك بالعروه الوثقى لا انفصام لها و الله سميع عليم (۲۵۶)

(بقره ۲۵۶)

ترجمه: در قبول و پذيرش دين، اكراهى نيست، (چرا كه) راه درست از راه انحراف و گمراهى، مشخص شده است.

بنابراين كسى كه به طاغوت كافر شود و به خدا ايمان آورد، به عروه الوثقى (دستگيره ى محكم الهى) چنگ زده - و تمسك جسته - است، كه گسستن و از بين رفتنى، براى آن نيست و خداوند، شنوا و داناست.

سؤال: «رشـد» بـه چه معنـاست، كه تبعيت از آن «يـؤمن بـالله» بـوده؛ و نيز «غى» چيست كه اطـاعت و پيروى از آن، به منزله ى «طاغوت» محسوب مى گردد؟! خلاصه ى كلام: آنچه كه از مجموع روايات موثق نبوى و علوى بـدست مى آيد، آن است كه «رشد» يعنى «هدايت صـحيح» - كه به تعبيرى همان «سبيل الله» است - اطاعت و پيروى از قول و رفتار ائمه هدى عليهم السـلام - كه همان راهبران حقيقى و بدون گسست و سستى

[صفحه ۳۳]

هستند!

- می باشد؛

چنانچه:

حدیث ۱: قال الامام علی بن محمد الهادی - فی الزیاره الجامعه التی یزار بها الأئمه علیهم السلام -: ... کلامکم نور و أمرکم رشد و وصیتکم التقوی و فعلکم الخیر و ... [۱۶].

ترجمه: حضرت امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه، که در آن ائمه علیهم السلام زیارت می شوند - و مورد خطاب، ائمه ی اطهار علیهم السلام هستند - فرمودند: کلام شما (اهل بیت پیغمبر علیهم السلام) نور، و دستور شما رشد و هدایت است؛ و سفارش شما تقوای الهی، و اعمال و رفتار شما خیر و خوبی است و ...

حدیث ۲: عن المفضل بن عمر قال: دخلت علی أبی الحسن موسی بن جعفر علیهماالسلام و علی ابنه فی حجره، و هو یقبله، و یمص لسانه، و یضعه علی عاتقه و یضمه الیه؛ و یقول: بأبی أنت و أمی! ما أطیب ریحک، و أطهر خلقک و أبین فضلک؛ قلت له: جعلت فداک، لقد وقع فی قلبی لهذا الغلام من الود ما لم یقع الا لک! فقال لی: یا مفضل! هو منی بمنزلتی من أبی «ذریه بعضها من بعض و الله سمیع علیم»؛ قال، قلت: هو صاحب هذا الأمر بعدک؟ قال: نعم، من أطاعه رشد و من عصاه کفر. [۱۷].

ترجمه: مفضل بن عمر گوید: خدمت موسی بن جعفر علیهماالسلام

[صفحه ۳۴]

رسیدم؛ فرزندش علی (بن موسی الرضا علیه السلام) در دامنش بود، او را می بوسید، و زبانش را می مکید، و او را بر شانه اش قرار می داد و در بغل می گرفت و می فرمود: پدر و مادرم به قربانت! چقدر بوی‌ت خوش، و اخلاقت پاکیزه، و فضائلت واضح و آشکار است!، (مفضل گوید) عرض کردم: فدای شما شوم، از این فرزند، محبتی در دل من

افتاد که از احـدی جز شـما نیفتاده؛ امام علیه السـلام فرمودنـد: ای مفضل! نسـبت او به من، نسـبت من است به پـدرم (یعنی این اعمـال و رفتـار من که در پی آن محبت تو بود، همـان رفتـاری است که پـدرم با من انجام می داد، یعنی هر امامی به امر الهی، باید برای امام بعدش، زمینه های محبت و شـناسانیدن به مردم را انجام دهد؛ سـپس حضـرت آیه ی ۳۳ سوره ی آل عمران را، که در این ارتباط است، قرائت فرمودند:)، «نسـلی، که بعض آن از بعض دیگر است، و خداوند شنوا و داناست»؛ مفضل گوید، عرضه داشـتم: آیـا پس از شـما، او صاحب این امر (امامت) است؟! امام کاظم علیه السـلام فرمودنـد: آری، هر کس او را - در قول و فعلش - اطاعت نماید، هدایت یابد، و هر که نافرمانیش نماید، کافر شود!

بنابر مختصر مطالب بیان شده، روشن گردید که، راه هدایت [رشد]، همان مسیر اطاعت و پیروی از اعمال و رفتار، و دستورات نورانی ائمه ی اطهار علیهم السلام، بالاخص حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام

[صفحه ۳۵]

می باشد!

نکته بسـیار مهم آنست که: این راه هـدایت، که همان رشـد و یا صـراط مسـتقیم الهی است، از ابتـدای خلقت عالم و آدم - به جهت خلقت نوری آن بزرگواران، و عهـد و پیمـان گیری خداونـد در عـالم ذر، از همگـان - به جمیع انبیاء عظیم القـدر الهی معرفی، و آنان نیز به امر پروردگار، به امتهای خویش ابلاغ می نمودند؛ همان ولایت محمد و آل محمد علیهم السلام و تبعیت از آنها بوده است.

البته، رسـالت انبیاء و اولیاء بر این خلاصه نمی شـده، بلکه عامل آزمایش و امتحان تمامی انبیاء الهی، و ترفیع درجات آنان نیز، به

میزان پذیرش ولایت و امامت حضرت محمد و اهل بیت ایشان علیهم السلام، و مقدار ثبات و پایداری بر آن، بوده است!

همانگونه که خداوند متعال فرموده:

«و لقد آتینا ابراهیم رشده من قبل و کنا به عالمین)

(انبیاء ۵۱)

ترجمه: ما زمینه ها و وسائل هدایت و رشد ابراهیم علیه السلام را از قبل به او دادیم - یعنی با معرفی و شناسانیدن عظمت و راهگشائی چهارده نور مبارک علیهم السلام! -، و از (شایستگی) او آگاه بودیم.

و یا از زبان مؤمن آل فرعون می فرماید:

«و قال الذی آمن یا قوم اتبعون أهدکم سبیل الرشاد»

(غافر ۳۸)

ترجمه: کسی که (از قوم فرعون) ایمان آورده بود، گفت: ای قوم من! از من پیروی کنید، تا شما را به راه درست - راه

[صفحه ۳۶]

دوستی و اطاعت محمد و آل محمد علیهم السلام - هدایت کنم.

تذکر: اینکه مؤمن آل فرعون به قومش چنین گفته، و یا ابراهیم علیه السلام زمینه های هدایت را آن چنان داشته، نباید موجب شگفتی شود؛ چرا که اصل و ریشه ی تمامی هدایت ها و دعوتها در عالم، از ابتدا تا روز قیامت، بر اساس: توحید، نبوت نبی اکرم صلی الله علیه و آله، و امامت و ولایت اهل بیت پیغمبر علیهم السلام بوده و می باشد. که البته توضیحات جامع، و اثبات چنین مطلب مهمی، که نیاز به دلائل روشن و آشکار دارد، در کتاب «ولایت علی و آل علی علیهم السلام راز پنهان قرآن» و مختصری نیز در کتاب «ناز جلوه گاه نور محمد و آل محمد علیهم السلام» اثر حقیر، آمده است!

- متأسفانه، برخی با وجود شناخت راه هدایت «سبیل الرشد» - یعنی همان ولایت و امامت، و سخنان گهربار حضرت امام رضا علیه السلام و سایر ائمه ی اطهار علیهم السلام -،

باز هم زیر بار نرفته و با تمام وجود، و عاشقانه، آن را نمی پذیرند:

«سأصرف عن آیاتی الذین یتکبرون فی الأرض بغیر الحق و ان یرو کل آیه لا یؤمنوا بها و ان یروا سبیل الرشد لا یتخذوه سبیلا و ان یروا سبیل الغی یتخذوه سبیلا ذلک بأنهم کذبوا بآیاتنا و کانوا عنها غافلین»

(اعراف ۱۴۶)

ترجمه: بزودی کسانی را که در روی زمین به ناحق، تکبر می ورزند از - ایمان آوردن به - آیات خود، منصرف می سازم (دیگر توانایی ایمان آوردن ندارند؛ یعنی می دانند مطلب به حق است، اما قلبشان نمی تواند بپذیرد!)؛ آنها چنانند که اگر هر آیه ای - یعنی هر کدام از ائمه علیهم السلام - را ببینند، به آن ایمان

[صفحه ۳۷]

نمی آورند، و اگر سبیل الرشد - یعنی راه هدایت، که همان اطاعت از حضرت رضا علیه السلام است - را ببینند، آن را راه خود انتخاب نمی کنند؛ و اگر سبیل الغی - یعنی همان طریق گمراهی، که راه دشمنان، منکران و معاندان حضرت امام رضا علیه السلام است - را ببینند، آن راه را به عنوان راه خود برمی گزینند! این بخاطر آن است که تمامی ائمه علیهم السلام - یعنی ائمه ی پیش از امام رضا علیه السلام که همان مظهر حسنای آیات الله هستند - را تکذیب کردند (در حالی که حضرت رضا علیه السلام، و امت و ولایت ایشان را انکار و تکذیب کردند می پنداشتند که به ائمه ی قبل از ایشان ایمان داشته اند)؛ و از آنها غافل بودند!!

نکته: شاید، مراد از این آیه ی شریفه، همان فرقه و گروه «واقفیه» باشد؛ یعنی همان کسانی که ائمه ی قبل از حضرت رضا علیه السلام را (البته در ظهر، و نه قلبا) پذیرفته، اما بعد

از موسی بن جعفر علیهماالسلام، در ولایت و امامت حضرت رضا علیه السلام توقف نموده و آن را نپذیرفتند ... !

[صفحه ۴۰]

حشر با امام رضا

و من یطع الله و الرسول فأولئک مع الذین أنعم الله علیهم من النبین و الصدیقین و الشهدآء و الصالحین و حسن أولئک رفیقا (۶۹) ذلک الفضل من الله و کفی بالله علیما (۷۰)

(نساء ۶۹ و ۷۰)

ترجمه: و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، (در قیامت) همنشین کسانی خواهد بود که خداوند، به آنان نعمت داده، از پیامبران و صدیقان و شهداء و صالحین؛ و آنها رفیقان خوبی هستند. این فضل، و موهبتی از ناحیه ی خداست؛ و کافی است که او (از حال بندگان، و نیات و اعمالشان) آگاه است.

در توضیح، و تفسیر کلمات «صدیق» و «شهید»، در آیاتی از قرآن؛ مطالب مفصلی در همین کتاب عرض شده؛ و نتیجه ی بحث آنکه: مقصود از «الصدیقین»، حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام - و البته آباء و ابناء گرامی ایشان - می باشند!

بنابراین، آیه ی کریمه ی فوق، اینگونه تفسیر می گردد:

و کسی که خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله را اطاعت کند، (در قیامت) همنشین کسانی خواهد بود که خداوند، به آنان نعمت داده، از پیامبران، و

[صفحه ۴۱]

صدیقین و شهداء - که در رأس شان حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می باشد -، و صالحین؛ و آنها رفیقان خوبی هستند. این فضل، و موهبتی از ناحیه ی خداست - که کسی هم در دنیا، و هم در آخرت، همنشین امام علی بن موسی الرضا علیه السلام باشد!، و کافی است که او (از حال بندگان، و نیات خالصانه ی آنان و اعمالشان) آگاه است.

و بر همین اساس،

در ادعیه وارده هنگام وداع با آن حضرت – همانند ادعیه ی وارده هنگام وداع با رسول الله صلی الله علیه و آله، که این خود، جای تأمل فراوان دارد (رسول الله صلی الله علیه و آله و امام رضا علیه السلام) – آمده است:

و احشرنی معه و فی حزبه مع الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقا ... [۱۸].

ترجمه: و مرا با او (با امام رضا علیه السلام)، و در حزبش – که همان حزب الله است [۱۹] – با شهداء و صالحین قرار ده و محشور فرما، و چه نیکو رفیقانی هستند – هم خود وجود نازنین حضرت، و هم اعضای حزب و گروه ایشان، که همان دوستداران و شیعیان مخلص اویند!–.

[صفحه ۴۴]

امام رضا عامل نجات از گرفتاری

قل من ینجیکم من ظلمات البر و البحر تدعونه تضرعا و خفیه لئن أنجانا من هذه لنکونن من الشاکرین (۶۳) قل الله ینجیکم منها و من کل کرب ثم أنتم تشرکون (۶۴)

(انعام ۶۳ و ۶۴)

ترجمه: بگو: چه کسی شما را از تاریکیهای خشکی و دریا رهایی می بخشد؟! در حالی که او را با حالت تضرع و در پنهانی می خوانید؛ (و می گویید) اگر از این (خطرات و ظلمتها) ما را رهایی بخشد، از شکرگزاران خواهیم بود. بگو: خداوند شما را از اینها، و از هر مشکل و ناراحتی، نجات می دهد؛ (با این حال) باز هم شما برای او شریک قرار می دهید!

پرسش: نجات از «کل کرب»، توسط خداوند، به چه سبب، و بهانه ای انجام می شود؟!

پاسخ: به سبب عظمت و مقام و منزلت حضرت رضا علیه السلام، و زیارت مرقد مطهر ایشان:

حدیث ۱: عن جابر الجعفی قال: سمعت أبا جعفر علیه السلام فی حدیث عن آبائه الطاهرین علیهم السلام

قال: قال رسول الله صلی الله علیه و اله: ستدفن بضعه منی بخراسان، ما زارها

[صفحه ۴۵]

مکروب الا نفس الله کربه، و لا مذنب الا غفرالله ذنوبه. [۲۰].

ترجمه: راوی گوید از امام باقر علیه السلام، در حدیثی به نقل از پدران بزرگوارشان علیهم السلام، شنیدم که می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: به زودی پاره ای از تن من، در خراسان دفن می شود، هیچ گرفتار و مشکل داری، او را زیارت نمی کند، مگر آنکه خداوند، - به عظمت آن حضرت - ناراحتی و گرفتاری او را برطرف می کند؛ و (نیز) هیچ گنهکاری او را زیارت نمی کند، مگر آنکه خداوند گناهان او را می آمرزد!

نکته ی بسیار مهم و ظریف: توجه و تدبر در آیات ۷۶ سوره های انبیاء و صافات، که مرتبط با رهائی و نجات حضرت نوح علیه السلام از «کرب»؛ و نیز آیه ی ۱۱۵ سوره ی صافات، که مرتبط با رهائی و نجات حضرت موسی و هارون علیهماالسلام از «کرب» بوده، و ارتباط اینگونه نجات ها از «کرب»، با توسل به مقام و منزلت محمد و آل محمد علیهم السلام؛ بسیار جالب، نتیجه بخش، و مفید فایده در فهم آیات قرآنی - که همان آیات زندگی است - می باشد!! یعنی جناب نوح، موسی و هارون علیهم السلام،- و بلکه تمامی انبیاء الهی علیهم السلام - در گرفتاریهای شان، متوسل به محمد و آل محمد علیهم السلام شده، و خداوند متعال نیز، به برکت آن سروران، انبیاء خود را کمک و یاری بخشیده و از «کروب» نجات می داده است!

[صفحه ۴۸]

امام رضا، همان وجه الله

انی وجهت وجهی للذی فطر السموات و الأرض حنیفا و مآ أنا من المشرکین (۷۹)

(انعام ۷۹)

ترجمه: من روی خود را به سوی کسی کردم

که آسمانها و زمین را آفریده؛ من در ایمان خود خالصم و از مشرکان نیستم.

سؤال: این رو کردن، به سوی خدا، یعنی چه؟ و به چه سمت و جهتی است؟!

مختصرا عرض می شود که: «فأینما تولوا فثم وجه الله» [۲۱] یعنی: به هر سو رو کنید، وجه خدا آنجاست!؛ اگر چه کعبه ی معظمه به عنوان مظهر، و رویکرد انجام عبادات محسوب می شود، اما آنچنان که در این آیه ی شریفه از سوره ی بقره - که بدان اشاره شد - ذکر گردیده، به هر سمت و سویی که رو شود، رو به سوی خداست.

ولی پرسش دیگر آن است، که «وجه الله» به چه معنی می باشد؟ هر چند که برخی، آن را کنایه از ذات پاک و اقدس الهی می دانند!

در پاسخ باید گفت که با استناد بر عقل و نقل، خدا جسم نیست که

[صفحه ۴۹]

قابل شهود و رؤیت باشد؛ اگر ما برای پرسش ذات باری تعالی به کعبه رو می کنیم و کعبه مظهر پرستش و عبادت خداست، این بدان معناست که کعبه واسطه ای میان ما و خداست و اگر ما امر بدان شده ایم، این به جهت وحدت و یکپارچگی امت اسلامی است؛ پس همانگونه که کعبه می تواند، واسطه ای میان ما و خدا باشد، فرستادگان و اولیاء او - پیامبر اکرم و ائمه ی هدی علیهم السلام - نیز می توانند واسطه ای میان ما و خدا، و مظهر پرستش او باشند و آنان بزرگترین مظهر وجه الله اند.

همانگونه که در حدیث شریفی از حضرت رضا علیه السلام آمده:

حدیث: عن أبی الصلت عن الرضا قال: فقلت یابن رسول الله صلی الله علیه و اله، فما معنی الخبر الذی رواه أن ثواب لا اله الا الله،

النظر الی وجه الله تعالی؟! فقال: یا أباالصلت! من وصف الله بوجه کالوجوه، فقد کفر، و لکن «وجه الله»، انبیاؤه و حججه علیه السلام الذین بهم یتوجه الی الله عزوجل و الی دینه و معرفته، و قال الله عزوجل «کل شی ء هالک الا وجهه»، فالنظر الی انبیاء الله تعالی و رسله و حججه علیهم السلام فی درجاتهم ثواب عظیم للمؤمنین یوم القیامه؛ و قد قال النبی صلی الله علیه و آله: من أبغض أهل بیتی و عترتی، لم یرنی، و لم أره یوم القیامه. [۲۲].

ترجمه: راوی گوید به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا! معنای این حدیث که «ثواب گفتن لا اله الا الله، نگاه کردن به وجه خداوند تعالی است «یعنی چه؟! امام رضا علیه السلام فرمودند: ای اباصلت! هر کس که خداوند را به

[صفحه ۵۰]

شکل و صورتی، همانند شکل و صورتها (ی انسانها، ملائکه یا ...) توصیف و تشبیه نماید، به یقین که کافر گشته؛ چرا که «وجه الله»، انبیاء و حجج او علیهم السلام می باشند؛ همان کسانی که به واسطه ی آنها، (انسان) به سوی خداوند عزوجل و دین او و شناخت و معرفت او، متوجه می شود؛ و خداوند عزوجل فرمود: همه چیز از بین رفتنی است، مگر وجه او»! (یعنی همان انبیاء و حجج او، بالاخص محمد و آل محمد علیهم السلام که در رأس تمامی انبیاء و حجج الهی می باشند؛ که اینان هرگز از بین نخواهند رفت، مگر به اذن حق تعالی «و یبقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام!»)؛ پس نظر انداختن به درجات انبیاء الهی، و فرستادگان و رسولان، و حجتهای او - یعنی ائمه اطهار علیهم السلام - پاداش عظیمی در

قیامت، برای مؤمنین خواهد داشت (که این نظر انداختن، و توجه کردن به انبیاء و اولیاء الهی، حقیقتا همان «وجه الله» بوده، و ثواب گفتن لا ـ اله الا ـ الله محسوب می شود؛ یعنی گفتن لا ـ اله الا الله در دنیا، نتیجه اش دیدن و همنشینی با انبیاء و حجج او، بالاخص محمد و آل محمد علیهم السلام می باشد!!).

(سپس حضرت رضا علیه السلام؛ شرط اصلی پذیرش لا اله الا الله را از جانب حق تعالی گوشزد نمودند - که همان دوستی و ولایت اهل بیت پیغمبر علیهم السلام می باشد - و فرمودند:) و به حقیقت، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که اهل بیت و عترت

[صفحه ۵۱]

مرا دشمن بدارد، نه او مرا در قیامت می بیند، و نه من او را می بینم (یعنی به اذن خداوند، ملائکه ی الهی پرده و حجابی بین من و او قرار می دهند تا از دیدار و شفاعت، محروم بماند، هر چند که در دنیا بسیار، لا اله الا الله گفته باشد!).

نکته ی قابل توجه آنکه: این تعبیر و آیه ی مورد بحث (انعام ۷۹)، بیشتر برای حرم مطهر و منور حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام بکار رفته؛ چنانچه به نقل کتاب «من لا ـ یحضره الفقیه» و «مفاتیح الجنان»: هنگامی که خواستی برای زیارت حضرت رضا علیه السلام بروی، از درب منزل بیرون آمده و بر در خانه بایست و بگو:

اللهم الیک وجهت وجهی و علیک خلفت ...

و یا

اللهم الیک توجهت و الیک قصدت و ما عندك أردت

ترجمه: پروردگارا! روی خود را به سوی تو نمودم - یعنی با توجه، به قصد زیارت امام رضا علیه السلام که مظهر والای وجه الله و وجود پروردگار است!-، به خودی خود، رویم

را به سوی تو نموده ام (فتأمل)!

[صفحه ۵۴]

حرمت ویژه ی حضرت رضا در نزد پروردگار

ان عده الشهور عندالله اثناعشر شهرا فی کتاب الله یوم خلق السموات و الأرض منهآ أربعه حرم ذلک الدین القیم فلا تظلموا فیهن أنفسکم و قاتلوا المشرکین کآفه کما یقاتلونکم کآفه و اعلموآ أن الله مع المتقین (۳۶)

(توبه ۳۶)

ترجمه: براستی تعداد ماهها نزد خداوند، در کتاب الهی، از آن روز که آسمانها و زمین را آفریده، دوازده ماه است؛ که چهار ماه از آنها، ماه حرام (دارای حرمت) است؛ این، آئین ثابت و پابرجا(ی الهی) است. بنابراین در (مورد) آنها به خود ستم نکنید.

سؤال: مقصود حقیقی و واقعی ماههای دوازده گانه [اثنی عشر شهرا]، که:

اولا: قبل از خلقت آسمانها و زمین، تعیین، و در کتاب عرش الهی مرقوم شده اند؛

و ثانیا: چهار تای آنها دارای حرمت خاص بوده؛

و ثالثا: شناخت آنها به عنوان دین قیم معرفی گشته؛

[صفحه ۵۵]

و رابعاً: عدم شناخت آنها، بعنوان ظلم، بر خود دانسته شده؛ چیست؟! و آیا این مطلب، قابل قبول است که: اگر کسی ماههای دوازده گانه ی اسلام [از محرم تا ذی الحجه] را بشناسد، اگر چه مشرک و یا کافر باشد، بر آئین محکم و استوار «دین قیم» می باشد؟ و یا اگر مسلمانی (بنابر دلایلی) آنها را نشناخت، بر خود ظلم کرده و از دین قیم، فاصله گرفته است؟!

در پاسخ: بدین گونه سؤالات مهم و اساسی، به چند روایت ارزشمند رسیده، اشاره می شود:

حدیث ۱: عن جابر الجعفی قال: سئلت أباجعفر علیه السلام عن تأویل قول الله عزوجل «ان عده الشهور عندالله - الی قوله - فلا تظلموا فیهن أنفسکم»؟! قال جابر: فتنفس سیدی الصعداء؛ ثم قال: یا جابر! أما السنه، فهی جدی رسول الله صلی الله علیه

و اله، و شهورها اثنی عشر شهرا، فهو أميرالمؤمنين، الی و الی ابنی جعفر و ابنه موسی و ابنه علی و ابنه محمد و ابنه علی و ابنه الحسن و ابنه محمد الهادی المهدی عليهم السلام، اثنی عشر اماما، حجج الله علی خلقه، و امنائه علی وحيه و علمه، و الأربعه الحرم الذين هم الدين القيم، أربعه منهم يخرجون باسم واحد: علی أميرالمؤمنين، و أبی علی بن الحسين، و علی بن موسی (الرضا)، و علی بن محمد (الهادی) عليهم السلام، فالاقرار بهؤلاء هو الدين القيم فلا تظلموا فيهن أنفسكم، أی قولوا بهم جميعا تهتدون. [۲۳].

ترجمه: جابر جعفی گويد: از امام باقر عليه السلام در مورد تأويل، و معنای حقيقی و باطنی كلام خداوند، كه فرموده: «ان عده

[صفحه ۵۶]

الشهور عندالله ... [آيه ی مورد بحث]»، سؤال كردم (كه منظور از ماههای سال، با اين مشخصات چيست)؟!

جابر گويد: سيد و سرور من (امام باقر عليه السلام به جهت نادانی و گمراهی مردم، و ندانستن معنای باطنی و هدايتگر آيات)، نفسی با آه و حزن كشيده و فرمودند:

ای جابر! اما منظور از سال (در قرآن)، همان جد من رسول الله صلی الله عليه و اله، و منظور از ماههای دوازده گانه، (امامان و اوصياء ايشان) از اميرالمؤمنين تا من، و پس از من فرزندم جعفر و پسرش موسی و پسرش علی و پسرش محمد و فرزندش علی و فرزندش حسن و فرزندش محمد الهادی المهدی عليهم السلام، كه دوازده امامند، می باشند؛ همانا نی كه حجتهای خدا بر بندگانش و امينان او بر وحی و علمش هستند؛ و چهار تای آنها، كه دين قيم می باشند، همان چهار امامی اند، كه با يک نام هستند: علی أميرالمؤمنين

علیه السـلام، و پدرم علی بن الحسـین علیه السلام و علی بن موسی الرضا علیه السلام و علی بن محمد الهادی علیه السلام، پس اقرار به آنها، همان دین قیم، و آئین محکم و پابرجا (و بدون لغزش) است، پس در عدم شـناخت واقعی آنان، به خود سـتم روا مدارید، یعنی (قلبا پذیرفته و عمل نمائید، و) بگویید که به واسطه ی آنان هدایت یافته اید!

حدیث ۲: عن أبی حمزه الثمالی قال: کنت عنـد أبی جعفر محمد بن علی الباقر علیه السـلام ذات یوم، فلما تفرق من کان عنده، قال لی: یا أباحمزه! من المحتوم

[صفحه ۵۷]

الـذی لا تبـدیل له عندالله قیام قائمنا علیه السـلام، فمن شک فیما أقول لقی الله و هو به کافر و هو له جاحد؛ ثم قال: بأبی أنت و أمی المسـمی باسـمی، و المکنی بکنیتی، السابع من بعدی، بأبی من یملاء الأرض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا؛ ثم قال: یـا أبـاحمزه! من أدرکه فلم یسـلم له مـا یسـلم لمحمـد و علی علیهماالسـلام، فقـد حرم الله علیه الجنه و مـأواه النار و بئس مثوی الظالمین، و أوضح عن هذا بحمدالله و أنور و أبین و أزهر لمن هدی الله و أحسن الیه قول الله عزوجل فی محکم کتابه: «ان عده الشـهور عنـدالله – الی قوله – فلاـ تظلموا فیهن أنفسـکم» و معرفه الشـهور: المحرم و صـفر و ربیع و ما بعـده، المحرم منها و هی: رجب و ذوالقعـده و ذوالحجه و المحرم، و لا یکون دینا قیما، لأن الیهود و النصاری و المجوس و سائر الملل و الناس جمیعا من الموافقین و المخالفین یعرفون هذه الشهور و یعدونها بأسمائهم، و انما هم الأئمه علیهم السلام القوامون بدین الله؛ و المحرم

منها أميرالمؤمنين على علیه السلام الذى اشتق له اسماء من اسمه العلى، كما اشتق لرسول الله صلى الله علیه و اله اسما من اسمه المحمود؛ و ثلاثه من ولده و هم على، ابنه على بن الحسين علیه السلام و على بن موسى (الرضا) علیه السلام و على بن محمد (الهادى) علیه السلام، فصار هذا الاسم مشتقا من اسم الله جل و عز حرم به، صلوات الله على محمد و آله المكرمين المحترمين. [۲۴].

ترجمه: جناب أبا حمزه ی ثمالی می گوید: روزی نزد امام باقر علیه السلام بودم (که جمعی نیز در محشر ایشان حضور داشتند)، پس هنگامی که جمعیت حاضر، متفرق شده و

[صفحه ۵۸]

رفتند، امام علیه السلام به من فرمودند: ای اباحمزه! از بدیهیات، و حتمیاتی که نزد خداوند، تغییرناپذیر است، قیام قائم ما (اهل بیت علیهم السلام) می باشد، پس هر کس در آنچه می گویم، شک و تردید نماید، (در قیامت) خداوند را ملاقات می کند - در محضر خدا حاضر می شود - در حالی که به خداوند کافر بوده، و انکار کننده ی اوامر اوست (هر چند در ظاهر اهل توحید، بحساب آید)؛ سپس (خطاب به امام زمان علیه السلام) فرمودند: پدر و مادرم به فدای تو، که به نام، و کنیه ی من نامیده شده ای؛ پدرم به فدای کسی که زمین را پر از قسط و عدل می کند، آنگونه که پر از ظلم و جور شده باشد؛ سپس فرمودند: ای أبا حمزه! کسی که (زمان ظهور) او را درک کرده، امام تسلیم - فرامین - او نشود، در حقیقت برای رسول الله و امیرالمؤمنین علیهماالسلام تسلیم نشده، و خداوند بهشت را به او حرام کرده، و جایگه او آتش جهنم است، که آن بد جایگاهی برای ظالمین

می باشد!؛ و بحمدالله واضح تر، روشن تر، آشکار تر، نورانی تر و نیکوتر از این مطلب برای کسی که خدا او را هدایت کرده، کلام خداوند است در کتاب محکمش (قرآن) که فرموده: «ان عده الشهور عندالله - تا- فیهن أنفسکم»!؛ و شناخت ماهها آن است: محرم، صفر، ربیع و دیگر ماههای قمری، و حرمت دار آنها: رجب و ذو القعده، و ذو الحجه، و محرم می باشد، اما این (شناخت

[صفحه ۵۹]

ماهها) دین قیم نیست، چرا که (برخی از) یهودیان، مسیحیان، مجوسیان، و دیگر ادیان، و همه ی مردم (از گروهها و فرقه ها)، از موافقین و مخالفین - دوستان و دشمنان - این ماهها را می شناسند و آنها را با اسامی شان می شمارند، و براستی جز این نیست که (معنای باطنی ماههای دوازده گانه) همان ائمه علیهم السلام، که پابرجایان و استواران به دین خدا هستند، می باشند! و حرمت (خاص) دار آنها امیرالمؤمنین علی علیه السلام است، هم اوئی که برای او اسمی از اسامی خداوند مشتق شده (علی از اعلی)، همانطور که برای رسول الله صلی الله علیه و اله اسمی از اسامی حق تعالی مشتق (برگرفته) شده - که آن محمد از محمود است -!

و (نیز علاوه بر امیرالمؤمنین سه نفر از فرزندان ایشان که علی هستند، نیز می باشند: پسرش علی بن الحسین و علی بن موسی الرضا و علی بن محمد الهادی علیهم السلام! پس این اسم (علی) بدان جهت حرمت دار شده که برگرفته شده از اسم خداوند عزوجل می باشد؛ صلوات و درود خداوند بر محمد و آل با کرامت، و با احترام ایشان.

حدیث ۳: عن داود بن کثیر، قال: دخلت علی أبی عبدالله جعفر بن محمد علیهماالسلام بالمدینه؛ فقال

- فی حدیث طویل - فی قول الله تعالی «ان عده الشهور عندالله - الی قوله - منها أربعه حرم»، أمیرالمؤمنین علی بن أبیطالب، الحسن بن علی، الحسین بن علی، علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن

[صفحه ۶۰]

محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، الحسن بن علی، الخلف الحجه علیهم السلام؛ ثم قال: یا داود! أتدری متی کتب هذا فی هذا؟ قلت: الله أعلم و رسوله و أنتم! فقال: قبل أن یخلق آدم بألفی عام. [۲۵].

ترجمه: راوی گوید: در مدینه، خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم؛ پس حضرت - در حدیث طولانی - در ارتباط با آیه ی: «ان عده الشهور - تا - منها أربعه حرم»، فرمودند: (منظور از ماههای دوازده گانه) امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب، حسن بن علی، حسین بن علی، علی بن حسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و الخلف الحجه المهدی، هستند؛ سپس حضرت (در توضیح: «اثنی عشر شهرا فی کتاب الله یوم خلق السماوات و الأرض»، یعنی: زمان تعیین این مطلب) فرمودند: ای داود! آیا می دانی این مطلب تعیین ائمه ی دوازده گانه -، در این کتاب الله -، چه زمانی نوشته شده؟ عرض کردم: خدا، و رسول او و شما (اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله) داناتر ید! پس حضرت فرمودند: این مطلب، دوهزار سال پیش از خلقت آدم علیه السلام تعیین، و نوشته شده است!

- نکته، و مطلب بسیار مهم و لطیف:

تشابه فراوان، میان چگونگی نصب حضرت علی بن موسی

[صفحه ۶۱]

الرضا علیه السلام به امامت، توسط امام کاظم علیه السلام، با نصب امیرالمؤمنین

علیه السلام به امامت و ولایت، توسط رسول الله صلی الله علیه و آله؛ و مشکلات هر دو زمان در هدایت مردم لجوج گمراه؛ و متفرق شدن، و گروه گروه شدن مسلمین، به سبب عدم پذیرش ولایت امام علی و امام رضا علیهماالسلام؛ و نیز توجه و تدبر در تاریخ، و مقایسه ی زمان چهار علی بزرگوار (امام علی، امام سجاد، امام رضا، امام هادی علیهم السلام)، با سایر ائمه ی هدی علیهم السلام؛ و درک حساسیت فوق العاده ی زمان این چهار امام بزرگوار، که عموما به گمراهی، دوری از ولایت، و یا توقف در پذیرش امامت یکی از این سروران می انجامید؛ همگی از نکات بسیار مهم و دقیق، و قابل بررسی، تحقیق و تأمل فراوان می باشند، که در این ارتباط به چند روایت ارزشمند، اشاره می شود:

حدیث ۱: عن عبدالله بن سنان، عن أبی الحسن موسی علیه السلام فی حدیث، أنه قال، و علی علیه السلام ابنه جالس بین یدیه: من ظلم ابنی هذا حقه و جحده امامته من بعدی کان کمن ظلم علی بن أبیطالب حقه و جحده امامته بعد رسول الله صلی الله علیه و اله. [۲۶].

ترجمه: راوی از امام کاظم علیه السلام، زمانی که فرزندش علی (حضرت رضا علیه السلام) در مقابلش نشسته بود، در حدیثی نقل می کند که فرمودند: هر کس حق این پسرم را به ظلم بگیرد، و امامت او را بعد از من انکار نماید، همانند کسی است که حق علی بن ابیطالب علیه السلام را به ظلم گرفته، و امامت او را بعد

[صفحه ۶۲]

از رسول الله صلی الله علیه و اله انکار کرده باشد!

تذکر: توجه به قبح فراوان غصب ولایت و امامت علی علیه السلام، و جزای غیر قابل

درک و فهم، در روایات رسیده از رسول الله صلی الله علیه و اله؛ و تشبیه زمان علی بن موسی الرضا علیه السلام با آن زمان!!

حدیث ۲: عن محمد بن الحسن العاملی (الحر العاملی)، باسناده عن علی بن ابراهیم، باسناده عن حسین بن بشیر قال: أقام لنا أبوالحسن، موسی بن جعفر علیهماالسلام ابنه علیا، کما أقام رسول الله صلی الله علیه و اله علیا یوم غدیرخم، و قال: یا أهل مدینه! هذا وصیی من بعدی.

ترجمه: از حسین بن بشیر نقل شده که گفت: حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، پسرش علی (الرضا علیه السلام) را برای ما جانشین خود قرار داد؛ همانگونه که رسول الله صلی الله علیه و آله، علی امیرالمؤمنین علیه السلام را در روز غدیرخم، به عنوان جانشین خود (و امام مردم) منصوب کرد؛ و فرمودند: ای اهل مدینه! این وصی بعد از من است.

حدیث ۳: عن یزید بن سلیط قال: دعانا أبوالحسن علیه السلام و اشهدنا و نحن ثلثون رجلا من بنی هاشم، ان علیا ابنه وصیه و خلیفته من بعده. [۲۷].

ترجمه: راوی گوید: حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ما را خواسته و شاهد گرفت - در حالی که ما ۳۰ نفر از بنی هاشم بودیم - که علی (الرضا علیه السلام) پسرش، وصی او و جانشین بعد از اوست.

[صفحه ۶۴]

مقام محمود حضرت رضا

و من الیل فتهجد به نافله لک عسی أن یبعثک ربک مقاما محمودا (اسراء ۷۹) ترجمه: و پاسی از شب را به تهجد بپرداز، که این دستور، یک امر مازاد و مستحبی - برای ترفیع درجه ی خاص تو - است؛ امید است که پروردگارت تو را به مقام محمود برانگیزد (برساند). روایات متعدد بسیاری، دال بر آن است

که مورد خطاب خاص این آیه ی شریفه، نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و اله است، که به آن مقام والا ـ و فوق تصور بشر رسیده؛ اما در احادیث، و زیارات وارده از معصومین علیهم السلام درباره ی حضرت رضا علیه السلام نیز، این مقام، برای ایشان، مورد تأئید قرار گرفته است، من جمله: در زیارت معروف آن حضرت، که از معصومین علیهم السلام رسیده، و جناب صدوق رحمه الله در «من لا یحضره الفقیه» و جناب ابن قولویه رحمه الله در «المزار»، آورده اند، آمده: فکن لی شافعا الی الله یوم فقری و فاقتی فلک عندالله مقام محمود و أنت

[صفحه ۶۵]

عنده وجیه. [۲۸] ترجمه: پس برای من به درگاه الهی، در روز فقر و بی نوائیم، شفاعت کننده باش، چرا که برای تو در نزد خدا، مقام محمود است، و تو نزد او، آبرومند می باشی.

[صفحه ۶۸]

زیارت، عامل شرح صدر

رب اشرح لی صدری (۲۵) و یسرلی أمری (۲۶) و احلل عقده من لسانی (۲۷) یفقهوا قولی (۲۸) (طه ۲۵ تا ۲۸) ترجمه: پروردگارا! سینه ام را گشاده کن؛ و کارم را برایم آسان گردان؛ و گره از زبانم بگشای؛ تا سخنان مرا بفهمند. هنگامی که اراده ی زیارت قبر مطهر حضرت امام رضا علیه السلام را نمودی، غسل کن، و در حال غسل بگو: اللهم طهرنی و طهرلی قلبی و اشرح لی صدری و أجر علی لسانی مدحتک و الثناء

علیک فانه لا قوه الا بک الله اجعله لی طهورا و شفاء. [۲۹] ترجمه: پروردگارا! مرا پاک کن، و دلم را طاهر و پاکیزه گردان، و به واسطه ی زیارت حضرت رضا علیه السلام سینه ام را گشاده کن (صبرم را زیاد گردان)، و بر زبانم، مدح و ستایش خود

را جاری گردان، زیرا که نیرویی جز به وجود تو، نیست. پروردگارا! زیارت حضرت رضا علیه السلام را وسیله ی پاکی و درمانم قرار ده!

[صفحه ۶۹]

و هرگاه که ان شاء الله به سلامت، به مشهد الرضا علیه السلام رسیدی؛ در زمان رفتن به زیارت، غسل کن، و در وقت غسل بگو: اللهم طهرنی و طهرلی قلبی و اشرح لی صدری و أجر علی لسانی مدحتك و محبتك و ... [۳۰].

[صفحه ۷۲]

بهشت، کمترین پاداش زیارت

انه من یأت ربه مجرما فان له جهنم لا یموت فیها و لا یحیی (۷۴) و من یأته مؤمنا قد عمل الصالحات فأولئك لهم الدرجات العلی (۷۵) جنات عدن تجری من تحتها الأنهار خالدین فیها و ذلك جزآء من تزکی (۷۶) (طه ۷۴ تا ۷۶) ترجمه: هر کس در محضر پروردگارش، خطاکار حاضر شود، آتش دوزخ برای اوست؛ در آن آتش، نه می میرد و نه زندگی می کند (همیشه در حال شکنجه و زجر روحی و جسمی است!)؛ و هر کس با ایمان نزد او آید، و اعمال صالح انجام داده باشد، برای چنین کسانی، درجات عالی است؛ باغهای جاویدان بهشت (جنات عدن)، که نهرها از زیر درختانش جاری است، در حالی که همیشه در آن خواهند بود؛ این است پاداش کسی که خود را پاك نماید! تذکر: ممکن است ظاهر این آیه شریفه - به همراه آیات قبل - دلالت بر ماجرای بسیار شگفت انگیز، و درس آموز حضرت موسی علیه السلام و فرعون و ساحران نموده، و ذهن آدمی را متوجه آن کند؛ اما باید توجه داشت، که بنابر روایات رسیده در ذیل آیات شریفه، و

[صفحه ۷۳]

اعتقادات مذهب حقه ی تشیع؛ اولا: تمامی آیات قرآن، ظاهری، و باطنی دارند؛

و ثانیا: اصل و چکیده ی دعوت تمامی انبیاء الهی – من جمله حضرت موسی علیه السلام، در مقابل فرعون، و ساحران – دعوت به توحید، ابلاغ نبوت خود، و تبیین ولایت و امامت محمد و آل محمد علیهم السلام (البته بر اساس درک و فهم مردم هر زمان) بوده است. که توضیح این مطالب در کتب متعدد از همین مؤلف آمده و ان شاء الله بیشتر نیز خواهد آمد! سؤال: «الدرجات العلی» مکان، و جایگاه رسمی چه کسانی می باشد؟ همان جایی که قرارگاه تمامی مؤمنان راستین، من جمله ساحرانی که ایمان آوردند و به شهادت رسیدند، می باشد؟! پاسخ به این پرسش را روایت ذیل بیان می فرماید: حدیث: عن أبی الصلت عبدالسلام بن صالح الهروی، قال سمعت الرضا علیه السلام یقول: و الله، ما منا الا مقتول شهید؛ قلت: و من یقتلك یابن رسول الله صلی الله علیه و اله؟ قال: شر خلق الله فی زمانی، یقتلنی بالسم، ثم یدفننی فی دار مضیعه و بلاد غربه، ألا فمن زارنی فی غربتی کتب الله عزوجل له أجر مائه ألف شهید، و مائه ألف صدیق، و مائه ألف حج و معتمر، و مائه ألف

مجاهد، و حشر فی زمرتنا، و جعل فی الدرجات العلی من الجنه رفیقنا. [۳۱] ترجمه: اباصلت گوید، از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود:

[صفحه ۷۴]

به خدا قسم، از ما اهل بیت پیغمبر علیهم السلام کسی نیست، مگر آنکه کشته شده، و به شهادت می رسد؛ (اباصلت گوید) عرض کردم: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و اله! چه کسی شما را می کشد؟ امام علیه السلام فرمودند: بدترین خلق خدا در زمان من (مأمون)، مرا با سم و زهر می کشد، سپس مرا

در مکانی جدا و تنها، و در سرزمین غربت، دفن می کند؛ آگاه باشید! هر کس مرا در غربتم زیارت نماید، خداوند عزوجل، برای او اجر و پاداش صد هزار شهید، و صد هزار صدیق و صد هزار حاجی تمتع و عمره، و صد هزار جهاد کننده (در راه خود) را می نویسد - که حقیقتا از فهم و درک ما، خارج است!! -؛ و (نیز) او را در زمره ی ما (با ما، و جزء شیعیان عالی ما) محشور نموده، و در درجات عالی (درجات العلی) از بهشت، رفیق ما قرار می دهد!

[صفحه ۷۶]

نجات زائران از حوادث هولناک قیامت

و نضع الموازین القسط لیوم القیامه فلا تظلم نفس شیئا و ان کان مثقال حبه من خردل أتینا بها و کفی بنا حاسبین (انبیاء ۴۷) ترجمه: ما میزان ها و ترازوهای عدل را برای روز قیامت برپا می کنیم؛ پس به هیچ کس کمترین ستمی نمی شود؛ و اگر (نیکی و بدی) به مقدار سنگینی یک دانه ی خردل باشد، ما آن را حاضر می کنیم؛ و کافی است که ما حساب کننده باشیم - تا در میان تمامی مخلوقات، عین عدالت برقرار شود -! - توصیف قیامت در قرآن کریم: الف) حتمی و نزدیک بودن قیامت: اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون. (انبیاء ۱) ترجمه: حساب مردم به آنان نزدیک شده، در حالی که در غفلتند، و (از آن) رویگردانند. ب) حوادث و اتفاقات هولناک قیامت، و عظمت آن. یا أیها الناس اتقوا ربکم ان زلزله الساعه شی ء عظیم یوم ترونها تذهل کل

[صفحه ۷۷]

مرضعه عما أرضعت و تضع کل ذات حمل حملها و تری الناس سکاری و ما هم بسکاری و لکن عذاب الله شدید. (حج

۱ و ۲) ترجمه: ای مردم! از (عذاب) پروردگارتان بترسید، که زلزله ی قیامت، امر عظیمی است. روزی که آن را می بینید، (و به جهت شدت حوادث آن) هر مادر شیردهی، کودک شیر خوارش را فراموش می کند؛ و هر بارداری، جنین خود را بر زمین می نهد، و مردم را (به جهت سرگردانی شان) مست می بینی، در حالی که مست نیستند؛ لکن عذاب خدا شدید است! ج) حتمی بودن حسابرسی در قیامت و به تصویر کشیده شدن اعمال: یوم یبعثهم الله جمیعا فینبئهم بما عملوا أحصاه الله و نسوه و الله علی کل شی ء شهید. (مجادله ۶) ترجمه: در آن روز خداوند همه ی آنها را برمی انگیزد، و از اعمالی که انجام دادند باخبر می سازد؛ اعمالی که خداوند، حساب آن را نگاه داشته، و آنها فراموشش کردند؛ و خداوند بر هر چیز شاهد و ناظر است. یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر محضرا و ما عملت من سوء تودلو أن بینها و بینه أمدا بعیدا و یحذرکم الله نفسه و الله رؤوف بالعباد. (آل عمران ۳۰) ترجمه: روزی که هر کس، آنچه را از کار نیک انجام داده، حاضر می بیند، و آرزو می کند میان او، و آنچه از اعمال بد انجام داده، فاصله ی زمانی زیادی باشد. خداوند، شما را از

[صفحه ۷۸]

(نافرمانی) خودش، برحذر می دارد؛ و خداوند نسبت به تمامی بندگانش، مهربان است. د) میزان، در قیامت: و الوزن یومئذ الحق فمن ثقلت موازینه فاولئک هم المفلحون، و من خفت موازینه فاولئک الذین خسروا أنفسهم بما کانوا بآیاتنا یظلمون. (اعراف ۸ و۹) ترجمه: وزن کردن - اعمال، و سنجش ارزش آنها - در آن روز، حق است! کسانی

که میزانهای آنان سنگین است، همان رستگارانند. و کسانی که میزانهای (عمل) آنها سبک است، افرادی هستند که سرمایه ی وجود خود را، به خاطر ظلم و ستمی که نسبت به آیات ما روا می داشتند، از دست داده اند. ه) اعطاء نامه ی اعمال، به دست راست و یا - العیاذ بالله - چپ: و کل انسان ألزمناه طائره فی عنقه و نخرج له یوم القیامه کتابا یلقاه منشورا اقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیبا. (اسراء ۱۳ و ۱۴) ترجمه: و هر انسانی، اعمالش را بر گردنش آویخته ایم؛ و روز قیامت کتابی (نامه ی عملش) را بیرون می آوریم، که آن را در برابر خود، گشوده می بیند. (و به او گفته می شود: نامه ی عملت، یعنی) کتابت را بخوان، کافی است که امروز، خود حسابگر خویش باشی! و) حال اصحاب یمین و شمال: فأما من اوتی کتابه یمینه فیقول هاؤم اقرءوا کتابیه ... و أما من اوتی کتابه بشماله فیقول یا لیتنی لم اوت کتابیه ... هلک عنی سلطانیه. (حاقه ۱۹ تا ۲۹)

[صفحه ۷۹]

سؤال: اولاـ راه نجات از مهالک و حوادث عظیم قیامت، با توجه به حتمی و نزدیک بودن آن؛ و ثانیا: راه ورود به جمع اصحاب یمین، و جدا شدن از اصحاب شمال، با توجه به حتمیت حساب و میزان؛ چیست؟! پاسخ: توجه، معرفت و شناخت؛ و نهایتا توسل و ارتباط نزدیک و تنگاتنگ با محمد و آل محمد علیهم السلام؛ و با استناد بر کثرت روایات رسیده، بالاخص زیارت و توسل به حضرت رضا علیه السلام، با توجه به غربت خاص آن بزرگوار: حدیث ۱: عن الرضا علیه السلام قال: من زارنی علی بعد داری و مزاری، أتیته یوم القیامه

فی ثلاثه مواطن حتی اخلصه من أهوالها: اذا تطایرت الکتب یمینا

و شمالا، و عند الصراط، و عند المیزان. [۳۲].

ترجمه: حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند: هر کس با توجه به دوری منزل - حرم - و مرقدم (یعنی با توجه به غربتم)، مرا زیارت کند، در سه جایگاه مهم روز قیامت به نزد او می آیم، تا وی را از هول و هراس آن مواطن نجات بخشم: یکی هنگامی که نامه ی اعمال به دست راست یا چپ داده می شود؛ و دیگری نزد پل صراط؛ و هنگام میزان، و حسابرسی دقیق اعمال!

[صفحه ۸۲]

عالم آل محمد

و من الناس و الدوآب و الأنعام مختلف ألوانه کذلک انما یخشی الله من عباده العلمؤا ان الله عزیز غفور (۲۸) (فاطر ۲۸) ترجمه: به راستی تنها، از میان بندگان خدا، فقط عالمان (دانشمندان) از - عظمت حقیقی - او می ترسند. حدیث: عن أبی الصلت، عن محمد بن اسحاق بن موسی بن جعفر، عن أبیه، ان موسی بن جعفر علیهماالسلام کان یقول لبنیه: هذا أخوکم علی بن موسی، عالم آل محمد علیهم السلام، فسئلوه عن أدیانکم، و احفظوا ما یقول لکم؛ فانی سمعت أبی، جعفر بن محمد علیهماالسلام غیر مره یقول لی: ان عالم آل محمد

علیهم السلام لفی صلبک و لیتنی أدرکته، فانه سمی امیرالمؤمنین علیه السلام. [۳۳] ترجمه: از اسحاق بن موسی بن جعفر (برادر امام رضا علیه السلام) نقل شده که گفت: پدرم (موسی بن جعفر علیه السلام) به فرزندانش می فرمود: این برادر شما علی بن موسی علیه السلام، عالم آل محمد صلی الله علیه و اله است؛ دین خود را از او بپرسید و هر چه به شما می گوید (با جان و دل پذیرفته و آن را) حفظ

کنید؛

[صفحه ۸۳]

چرا که بارها از پدرم (امام صادق علیه السلام) شنیدم، به من می فرمود: عالم آل محمد علیهم السلام در صلب تو است؛ و ای کاش من او را درک می کردم، که او همنام امیرالمؤمنین علیه السلام است.

[صفحه ۸۶]

جایگاه ویژه ی زائران در قیامت

یا قوم انما هذه الحیوه الدنیا متاع و ان الأخره هی دار القرار (۳۹) (غافر ۳۹) ترجمه: (او گفت:) ای قوم من! این زندگی دنیا، تنها متاع زودگذر است؛ و آخرت، سرای همیشگی است. حدیث: عن علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن الصقر بن دلف قال: سمعت سیدی علی بن محمد بن علی الرضا علیهم السلام یقول: من کانت له الی الله حاجه فلیزر قبر جدی الرضا علیه السلام بطوس، و هو علی غسل، و لیصل عند رأسه رکعتین، و لیسأل الله تعالی حاجته فی قنوته، فانه یستجیب له، ما لم یسأل مأثما أو قطیعه رحم، ان موضع قبره لبقعه من بقاع الجنه لا ـ یزورها مؤمن الا ـ أعتقه الله تعالی من النار، و أدخله دار القرار. [۳۴] ترجمه: راوی گوید: از امام هادی علیه السلام شنیدم که می فرمودند: هر کس حاجتی به درگاه الهی دارد (جهت برآورده شدن آن)، باید قبر جدم علی بن موسی الرضا علیه السلام - در طوس را - در حالی که غسل دارد، زیارت کند، و نزد سر مبارک آن

[صفحه ۸۷]

حضرت - بالا ـ سر مبارک - دو رکعت نماز خوانده، و حاجت خویش را از خداوند متعال، در قنوت آن نماز بخواهد، به درستی که بلافاصله درخواست و دعای او مستجاب می شود، مادامی که درخواست او گناه، و یا قطع رحم نباشد؛ براستی که مکان قبر مطهر آن حضرت، بقعه و مکانی از بقعه های بهشت است؛ مؤمنی

آن را زیارت نکند، مگر آنکه خداوند تعالی، او را از آتش جهنم نجات بخشیده، و در سرای همیشگی «دار القرار» داخل می نماید.

[صفحه ۹۰]

خاک طوس، خاک بهشت

ان الذین یلحدون فی ءایاتنا لا یخفون علینا أفمن یلقی فی النار خیر أم من یأتی ءامنا یوم القیامه اعملوا ما شئتم انه بما تعملون بصیر (۴۰) (فصلت ۴۰)

ترجمه: بدرستی کسانی که فضائل ائمه اطهار علیهم السلام (آیات الله) [۳۵] را تحریف می کنند، بر ما پوشیده نخواهند بود. آیا کسی که - بخاطر تحریف، و انکار فضائل و ولایت ائمه اطهار علیهم السلام - در آتش افکنده می شود بهتر است، یا کسی که - به سبب پذیرش و قبول ولایت و امامت، و اطاعت محض از آن، در نهایت امن و امان در قیامت به عرصه ی محشر می آید؟! هر کاری می خواهید، انجام دهید، چرا که او به آنچه شما عمل می کنید، بیناست.

[صفحه ۹۱]

توضیح: این امنیت حقیقی که در قیامت شامل حال انسان می شود، علاوه بر پذیرش قلبی و اطاعت از محمد و آل محمد علیهم السلام، شامل رفتن به اماکنی که آن بزرگواران در آنجا رفت و آمد داشته و یا مرقد مطهرشان در آن سرزمین قرار دارد، نیز می شود؛ که از آن جمله است (بطور اخص، و بر اساس روایات گرانقدر معتبر)، رفت و آمد به طوس و زیارت مرقد مطهر و منور آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام: حدیث: عن أبی هاشم داود بن القاسم الجعفری قال: سمعت أباجعفر محمد بن علی الرضا علیهماالسلام یقول: ان بین جبلی طوس قبضه قبضت من الجنه، من دخلها

کان آمنا یوم القیامه من النار. [۳۶] ترجمه: راوی گوید، از حضرت جواد علیه السلام شنیدم که می فرمودند: براستی که

بین کوههای سرزمین طوس، خاکی وجود دارد که از بهشت گرفته شده (اشاره به مکان مرقد مطهر حضرت رضا علیه السلام می باشد)؛ کسی که - جهت زیارت - داخل در آن مکان مقدس شود، روز قیامت از آتش جهنم در امان خواهد بود!

[صفحه ۹۴]

عامل اصلی آمرزش گناهان

انا فتحنا لک فتحا مبینا (۱) لیغفرلک الله ما تقدم من ذنبک و ما تأخر و یتم نعمته علیک و یهدیک صراطا مستقیما (۲) و ینصرک الله نصرا عزیزا (۳) (فتح ۱ تا ۳) ترجمه: براستی که ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم؛ تا (به واسطه ی آن) خداوند، گناهان گذشته و آینده ی تو را ببخشد، و نعمتش را بر تو تمام کرده، و به صراط مستقیم هدایت فرماید؛ و خداوند، تو را یاری کند، یاری کردن با عزت و سربلندی! سؤال: «فتح مبین»، «یتم نعمته»، «هدایت به صراط مستقیم» و «ینصرک الله» چیست و به چه واسطه هایی؟! پیش از پاسخگویی به مفاهیم سؤال فوق، اجبارا به یک نکته و شبهه ی بسیار ساده و پیش پا افتاده، اشاره می شود، و آن اینکه: مگر رسول الله صلی الله علیه و اله معصوم نیستند؟ آن هم عصمتی که با «الرجس» در قرآن مشخص گردیده، و شامل هرگونه زشتی و پلیدی است، اعم از فکری و عملی؛ و با «و ما ینطق عن الهوی» نیز کامل گشته پس چگونه است که می فرماید: «لیغفرلک الله ما تقدم من ذنبک و ما تأخر»؟!

[صفحه ۹۵]

این مطلب را از چند جنبه می توان بررسی نمود: اولا: منظور از گناهان تو، یعنی آن گناهانی که کفار و مشرکین، و بالاخص یهودیان به دروغ، و برای هتک حرمت و کسر شأن

و مقامت، به تو نسبت دادند؛ که خداوند بدین واسطه می خواهد، مقام و منزلت والای تو را از تمامی تحریفات، شایعات و تهمتها برهاند! ثانیا: منظور از گناهان تو، همان گناهان امتت می باشد که به تو نسبت داده شده است - چرا که رهبر و راهنمای هر امتی، یعنی هر پیامبری، مسئول اعمال و رفتار امت خویش است -! ثالثا: عشق و علاقه ی فراوان رسول الله صلی الله علیه و اله به امیرالمؤمنین علیه السلام، باعث آن شد که ایشان، از خداوند متعال درخواست نمایند که: پروردگارا! گناهان دوستداران و محبان علی علیه السلام را به حق من ببخشای، و اگر نبخشیدی آن را به حساب من درآور! و شاید بر همین اساس است که در روایات، مکرر آمده: هنگام خطا و گناه به یاد ما (محمد و آل محمد علیهم السلام) باشید، و برای ما آبروداری نمائید! علی کل حال، در این راستا، دلائل و استدلالات فراوانی در کتب ارزشمند تفسیری - و البته با استناد بر احادیث وارده - آمده، که فعلا مجال بحث بیش از این نیست! اما پاسخ پرسش مطرح شده: آنچه از مجموع روایات رسیده به دست می آید، و مختصری از آن نیز در ذیل خواهد آمد، آن است که:

[صفحه ۹۶]

۱. «فتح مبین» اشاره به همان شایعه پراکنیها و جوسازی هایی است که دشمنان خدا و رسول، جهت از میان برداشتن عظمت رسول الله صلی الله علیه و اله - که در واقع، همان عظمت خداوند متعال و اسلام بود - انجام می دادند، و آن، عبارت بود از: «أبتر» بودن رسول الله صلی الله علیه و اله، یعنی پسر نداشتن؛ و به خیال

آن کوردلان، و ظاهر بینان، انقطاع نسل ایشان! غافل از آنکه، همانند بسیاری از لطایف و ظرائف افعال الهی، که در زمان انبیاء و امم گذشته نیز، به وقوع پیوسته (مانند: معجزه تولد موسی علیه السلام در زمان خفقان و کشتار بیش از ۹۰ هزار کودک پسر، توسط فرعون، و رشد ایشان در همان مرکز حکومت کفر؛ نجات ابراهیم علیه السلام در آتش، برد و سلام شدن آن و ... !)؛ این بار نیز خداوند متعال، قصد داشت تا برخلاف آنچه، دشمنان دین و قرآن و رسول، تصور داشتند، خلفاء به حق خود، و جانشینان بلافصل رسول، که همان وارثان حقیقی نبوت، و زبانهای گویای دین اویند را، از طریقی جز انتظار آنان، به روی زمین آورده و قدرت لایزال خویش را به مرحله ی ظهور برساند؛ بر همین اساس، خداوند تمامی پسرانی که برای رسول الله صلی الله علیه و اله متولد شده بودند را قبل از وفات ایشان، از او گرفته، و تنها یادگار آن حضرت را، أم الائمه، حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام قرار داد، تا به واسطه ی وجود نازنین و طاهر ایشان، یاوران حقیقی رسول الله صلی الله علیه و اله - یعنی همان ائمه اطهار علیهم السلام - پا به عرصه ی دنیا بگذارند! بنابراین، هر چند که ظاهر آیات شریفه، خبر و مژده ی پیروزی در فتح

[صفحه ۹۷]

مکه ی و یا ... را می دهد، اما در باطن و تأویل، و به زبانی دیگر، حقیقت و رمز آیات شریفه، خبر از آمدن و ظهور ائمه هدی علیهم السلام، که غایت انتظار و پاداش رسالت آن حضرت بودند (لا أسئلکم علیه أجرا الا الموده فی القربی!)، را می دهد؛ که براستی

ما با تولد و آمدن فرزندانت، از نسل زهرای اطهر علیهاالسلام برای تو پیروزی آشکاری در مقابل یاوه گویان فراهم ساختیم! ۲. «یتم نعمته» نیز، با استناد بر احادیث، و آیات مربوطه - من جمله آیه ی ۳ سوره ی مائده - مرتبط با ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و روز غدیرخم می باشد. یعنی همانی که خداوند متعال، پس از ابلاغ رسمی و جاودانی ولایت و امامت، توسط رسولش، از آن خرسند گشته «رضیت» و از آن به «أتممت علیکم نعمتی» تعبیر نموده است. یعنی با ولایت و امامت حضرت رضا علیه السلام که سومین علی، در میان آن بزرگواران است، دیگر

اختلافات و دسته بندی ها، در میان امت تو پایان پذیرفته -! [۳۷] ۳. «صراط مستقیم» نیز یکی از مباحث بسیار جالب و مهم اعتقادی و تفسیری است، که بحثهای جامع آن، در کتاب «ولایت علی و آل علی علیه السلام راز پنهان قرآن» و «نماز جلوه گاه نور محمد و آل محمد علیهم السلام، در باب قرائت سوره ی حمد» آمده! ۴. «ینصرك الله» یعنی همان یاری رساندن خداوند، برای رسول الله صلی الله علیه و آله، این نیز بسیار روشن است، زیرا با توجه به مطالب

[صفحه ۹۸]

عنوان شده در شماره ی ۱، آشکار می شود که یاری ایشان، همان یاری رساندن دین و زحمات ایشان می باشد، که آن هم، تنها توسط ائمه اطهار علیهم السلام صورت پذیرفته است! نتیجه و خلاصه ی بحث: براستی که با آمدن ائمه ی اطهار علیهم السلام، بالاخص حضرت رضا علیه السلام، که عالم آل محمد صلی الله علیه و اله می باشند، برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم؛ تا (به سبب حضرت رضا علیه السلام و زیارت ایشان) گناهان گذشته

و آینده ی امت تو را ببخشد؛ و با ولایت و امامت حضرت رضا علیه السلام نعمتش را بر تو تمام کرده، و به صراط علی علیه السلام، که همان صراط مستقیم است، هدایت فرماید؛ و خداوند تو را توسط حضرت رضا علیه السلام یاری کند (به واسطه ی علم ایشان در دفاع از رسول الله و مذهب حقه ی ایشان!)، یاری کردن با عزت و سربلندی! حدیث ۱: عن أبی جعفر الثانی علیه السلام قال: من زار قبر أبی بطوس، غفرالله له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر، و بنی الله له منبرا حذاء منبر محمد و علی

علیهماالسلام، حتی یفرغ الله من حساب الخلائق. [۳۸] ترجمه: امام جواد علیه السلام فرمودند: هر کس قبر پدرم در طوس را زیارت کند، خداوند، گناهان گذشته و آینده ی او را می بخشد، و برای او منبر (مکانی) در کنار منبر پیامبر و علی علیهماالسلام قرار می دهد، تا زمانی که تمامی خلائق، از حسابرسی و رسیدگی اعمال، فارغ شوند.

[صفحه ۹۹]

حدیث ۲: عن أمیرالمؤمنین علیه السلام قال: سیقتل رجل من ولدی بأرض خراسان بالسم ظلما، اسمه اسمی، و اسم أبیه اسم موسی بن عمران علیه السلام، ألا فمن زاره فی غربته غفرالله له ذنوبه ما تقدم منها و ما تأخر، و لو کانت مثل

عدد النجوم و قطر الأمطار و ورق الأشجار. [۳۹] ترجمه: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: بزودی مردی از فرزندان من در سرزمین خراسان با سم ظلم و ستم، کشته خواهد شد؛ نام او نام من، و نام پدر او، نام موسی بن عمران علیه السلام است (یعنی موسی بن جعفر علیهماالسلام)؛ آگاه باشید! کسی که او را در غربتش زیارت کند، خداوند، گناهان گذشته و آینده ی او را می آمرزد،

هر چند گناهانش به اندازه ی تعداد ستارگان، و قطرات باران و تعداد برگهای درختان باشد! حدیث ۳: عن الرضا علیه السلام قال: انی سأقتل بالسم مظلوما، فمن زارنی

عارفا بحقی، غفرالله له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر. [۴۰] ترجمه: حضرت رضا علیه السلام فرمودند: بزودی من مظلومانه با زهر، کشته خواهم شد، پس کسی که (پس از شهادت) مرا زیارت کرده و عارف به حق من باشد، خداوند، گناهان گذشته و آینده ی او را می بخشد.

[صفحه ۱۰۰]

حدیث ۴: عن حمدان بن اسحاق النیسابوری قال: قلت لأبی جعفر الثانی علیه السلام: ما لمن زار قبر أبیک بطوس؟ فقال علیه السلام: من زار قبر أبی،

غفرالله له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر. [۴۱] ترجمه: راوی گوید به امام جواد علیه السلام عرض کردم: برای کسی که قبر پدر شما را در طوس زیارت کند، (پاداش) چیست؟ امام علیه السلام فرمودند: کسی که قبر پدرم را زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده ی او را می بخشد.

[صفحه ۱۰۲]

اطاعتش واجب است

فقالوا أبشرا منا واحدا نتبعه انا اذا لفی ضلال و سعر (۲۴) (قمر ۲۴) ترجمه: گفتند: آیا ما از بشری از جنس خود پیروی کنیم؟! اگر چنین کنیم در گمراهی و جنون خواهیم بود. یک شبهه ی مهم و پاسخ به آن: ممکن است در ذهن مطالعه کنندگان محترم، این سؤال و شبهه به وجود آید که: در ظاهر آیات شریفه ی فوق، از قوم سرکش ثمود، و تبعیت نکردن آنان از پیغمبر زمان خویش، و نافرمانی از اوامر و نواهی او - که همان اوامر و نواهی الهی است! - سخن به میان آمده؛ حال، چگونه است که این آیه ی شریفه، با حضرت رضا علیه السلام مرتبط شده

است؟! در پاسخ عرض می شود: اولا: برخی از آیات کریمه ی قرآن از لحاظ ظاهری، ممکن است با قبل و بعد آن، یا مرتبط نبوده؛ و یا امکان تجزیه ی آنها بوده باشد؛ همانند: قسمت میانی آیه ی ۳ سوره مائده، که به اتفاق نظر اکثر مفسرین

[صفحه ۱۰۳]

و بزرگان فریقین، مربوط به واقعه ی عظیم غدیرخم، و ابلاغ امامت امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد: «الیوم أکملت لکم دینکم و أتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا»؛ در حالی که قبل و بعد این آیه ی شریفه، در ظاهر، با این قسمت از آیه، مرتبط نمی باشد؟! ثانیا: از جهت باطن، و تأویل آیات قرآنی، ولایت ائمه ی اطهار علیهم السلام یکی از اصولیات آشکار و بدیهی بوده، که ابلاغ آن از جانب خداوند متعال بر تمامی انبیاء، از آدم تا خاتم علیهم السلام، تکلیف گشته؛ و آنان پس از ابلاغ توحید، نبوت و رسالت خویش؛ و قبل از بیان دستورات اختصاصی هر قوم، ابتدا مکلف به ابلاغ اصولی ترین و مهم ترین مبنای خلقت عالم، یعنی همان مژده به رسالت و ظهور نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و اله و اهل بیت پاکیزه ی ایشان - یعنی از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام تا حضرت مهدی (ارواحنا له الفداء) - بوده اند، و وظیفه داشته اند که از اقوام خود ابتدا اعتراف به پذیرش ولایت و امامت ائمه ی اطهار علیهم السلام را گرفته، و سپس آنها را به سمت و سو، و پیروی از آنان راهنمائی و راهبری نمایند! که البته، چنین بحث بسیار ریشه ای و عمیقی، محتاج مجال خاص خود بوده، که به لطف خداوند منان، در کتاب جامع «ولایت علی و آل علی علیهم السلام راز پنهان قرآن» اثر

حقیر، مفصلا به اثبات و تبیین این مهم، پرداخته شده است. بنابراین می توان اینگونه توضیح داد که: یا باید این آیه را به عنوان مصداق خاص حضرت امام

[صفحه ۱۰۴]

علی بن موسی الرضا علیه السلام، جدای از آیات قبل و بعد آن در نظر گرفت؛ و یا زیباتر و جامعتر آنکه، این آیه را پس از ابلاغ ولایت و امامت، و معرفی محمد و آل محمد علیهم السلام، توسط حضرت صالح علیه السلام به قوم ثمود، دانست. یعنی قوم طغیانگر ثمود، در جواب حضرت صالح علیه السلام - در دعوت به توحید، نبوت خویش، نبوت نبی اکرم صلی الله علیه و اله و امامت و ولایت ائمه علیهم السلام! -، سرکشی نموده و با جسارت تمام گفتند: آیا ما از صالح علیه السلام [بشری از جنس خود] در دعوت به توحید و نبوت و امامت محمد و آل محمد علیهم السلام، پیروی و تبعیت نمائیم، اگر چنین کنیم در گمراهی و جنون خواهیم بود!! و چه بجاست در تکمیل مطالب، به بیانی از حضرت رضا علیه السلام در توضیح و تبیین، و ارتباط این آیه ی شریفه با ولایت و امامتشان اشاره شود: حدیث ۱: عن ابن أبی یحیی قال: لما توفی أبوالحسن موسی علیه السلام وقف الناس، فحججت تلک السنه فاذا أنا بعلی بن موسی الرضا علیه السلام، فاضمرت فی نفسی أمرا، فقلت: «أبشرا منا واحدا نتبعه»، فمر کالبرق الخاطف علی؛ فقال: أنا البشر الذی یجب علیک ان تتبعنی؛ فقلت: یا مولای، معذره الی الله

تعالی و الیک؛ فقال: مغفورا لک ان شاء الله تعالی. [۴۲] ترجمه: راوی گوید: زمانی که موسی بن جعفر علیه السلام به شهادت رسیدند، مردم در پذیرش ولایت و امامت حضرت رضا علیه السلام متوقف شدند

(یعنی گروه منحرف واقفیه را تشکیل

[صفحه ۱۰۵]

دادند!)؛ پس در آن سال به حج مشرف شدم، و در آنجا از کنار علی بن موسی الرضا علیه السلام گذشتم، پس در همان حال، مسئله ی امامت او پس از موسی بن جعفر علیه السلام، و توقف مردم در این امر، در ذهن و قلب من گذشت، بلافاصله با خود این آیه را خواندم: «آیا ما از بشری از جنس خود - یعنی علی بن موسی الرضا علیه السلام - پیروی نمائیم»؛ در همان حال، بلافاصله حضرت رضا علیه السلام همانند برق جهنده و گذرا، از کنار من گذشته و (بدون جاری شدن کمترین جمله ای بر لبان من، و با علم غیب الهی خویش) فرمودند: من همان بشری هستم که تبعیت از من - در این آیه - بر تو واجب گشته است؛ پس (بلافاصله پس از شنیدن این معجزه ی عظیم) عرضه داشتم: ای مولای من، به درگاه خداوند متعال و نزد شما عذرخواهی می کنم - و از افکار شیطانی خویش، در عدم پذیرش ولایت و امامت شما، پشیمان و نادمم! - پس حضرت رضا علیه السلام فرمودند: ان شاء الله خداوند تعالی نیز تو را بخشیده است! حدیث ۲: عن ابن أبی کثیر قال: لما توفی موسی (بن جعفر علیه السلام) وقف الناس فی أمره، فحججت فی تلک السنه، فاذا أنا بالرضا علیه السلام، فاضمرت فی قلبی أمرا، فقلت: «أبشرا منا واحدا نتبعه انا اذا لفی ضلال و سعر»؛ فمر کالبرق الخاطف علی، فقال: أنا و الله البشر الذی یجب علیک أن تتبعنی؛

فقلت: معذره الی الله و الیک؛ فقال: مغفور لک» [۴۳].

[صفحه ۱۰۶]

ترجمه: راوی دیگری نیز نقل می کند: هنگامی که حضرت کاظم علیه السلام از دنیا رفتند،

عموم مردم در امر ولایت و امامت ایشان متوقف شدند - یعنی العیاذ بالله، ایشان را امام منتظر قائم علیه السلام، که مژده به ظهور او داده شده دانستند؛ یعنی همان اعتقاد فرقه ی ضاله ی واقفیه که هفت امام دارند! -؛ من در همان سال به حج مشرف شدم، و حضرت رضا علیه السلام نیز حاضر بودند؛ پس در قلب من مسئله ی ولایت و امامت گذشت، در همان حال در قلبم این آیه را خواندم: «آیا ما از بشری از جنس خود - یعنی حضرت رضا علیه السلام - پیروی کنیم؟! اگر چنین کنیم در گمراهی و جنون خواهیم بود»، - یعنی افکار پلید شیطانی عموم مردم، که همان توقف در ولایت موسی بن جعفر علیه السلام بود، در ذهنم مرور شد! -، پس بلافاصله - پس از مرور آیه در قلبم - حضرت رضا علیه السلام همانند برق عبور پرنده ای (با سرعت و بدون مکث) از کنار من گذشتند؛ و در همان حال بلافاصله فرمودند: به خدا قسم، من همان بشری هستم که تبعیت از من - با توجه به این آیه - بر تو واجب شده؛ پس من - خجل گشته و گفتم: به درگاه خدا و نزد شما عذرخواهی می کنم (و طلب عفو و بخشش دارم)؛ امام رضا علیه السلام فرمودند: مورد بخشش - خدا و ولی خدا - واقع شدی!

[صفحه ۱۰۸]

در بهشت، با امام

ان المتقین فی جنات و نهر (۵۴) فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر (۵۵)

(قمر ۵۴ و ۵۵)

ترجمه: یقینا پرهیزکاران، در باغها و کنار نهرهای بهشتی جای دارند، در جایگاه صدق (!)، نزد خداوند مالک مقتدر! سؤال: «مقعد صدق» چیست، و جایگاه چه کسانی می باشد؟!

آنچه از روایات رسیده

به دست می آیـد، آن است که: «مقعـد صـدق» جایگـاهی فوق بهشت، طبقات هفت گانه ی آن می باشـد. یعنی مافوق تمامی نعمـات بهشتی، و درجه ی بهشتیـان، مکانی است که دور از درک و فهم، و دسترسـی بهشتیان بوده، و هرگز هیـچ بشـری، جز محمـد و آل محمـد علیهم السـلام – که مقربـان خـاص درگـاه الهی انـد – در آن مکان، بصورتی دائمی نخواهـد بود؛ مگر به عنوان میهمان ویژه ی محمد و آل محمد علیهم السلام!

که جهت تکمیل بحث – هر چند مختصر – به روایاتی اشاره می شود:

حدیث ۱: عن محمد بن الفضیل، عن أبی الحسن الماضی علیه السلام، قلت: «ان

[صفحه ۱۰۹]

المتقین»؟ قال: نحن و الله و شیعتنا، لیس علی مله ابراهیم غیرنا و سائر الناس منها براء. [۴۴].

ترجمه: راوی گوید: از امام کاظم علیه السـلام در ارتباط با (معنای) متقین پرسـیدم (که کیسـتند)؟ امام علیه السلام فرمودند: به خـدا قسم، مـا (أهـل بیت پیغمبر صـلی الله علیه و اله) و شـیعیان مـا هستیم؛ غیر از مـا (اهـل بیت و شـیعیان ما)، سایر مردم از راه حضـرت ابراهیم علیه السـلام – که همان راه یکتاپرستی خالص، یعنی همان دین حنیف است – به دور می باشـند، هر چند ادعا نمایند که پیرو حضرت ابراهیم علیه السلام هستند!

حدیث ۲: عن جابر بن عبدالله قال، قال رسول الله صـلی الله علی و اله لعلی علیه السـلام: من أحبک و تولاک أسکنه الله معنا فی الجنه، ثم تلا رسول الله صـلی الله علیه و آله: «ان المتقین فی جنات و نهر فی مقعـد صـدق عند ملیک مقتدر» [۴۵] ترجمه: جابر بن عبدالله انصاری از رسول الله صلی الله علیه و اله نقل کرده، که به علی علیه السلام فرمودند: کسی که تو را

دوست داشته، و از تو پیروی و اطاعت نماید، خداوند، او را با ما در بهشت قرار می دهد، سپس حضرت رسول صلی الله علیه و آله این آیات را تلاوت نمودنـد (کنایه از آنکه، این بهشتی که دوسـتداران علی علیه السـلام در آن، با ما همنشـین می شونـد، همان «فی مقعد صدق عند

[صفحه ۱۱۰]

ملیک مقتدر» است): «ان المتقین فی جنات و نهر فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر).

حـدیث: عن عبدالسـلام بن صالـح الهروی – فی حـدیث دعبـل –: أن الرضا علیه السـلام قال له: لا تنقضـی الأیام و اللیالی حتی تصیر طوس مختلف شیعتی و زواری، ألا فمن زارنی فی غربتی بطوس، کان معی فی درجتی یوم القیامه مغفورا له. [۴۶].

ترجمه: اباصلت به نقل از حدیث دعبل گوید که امام رضا علیه السـلام به او فرمودند: روزها و شبهایی نمی گذرد (خیلی زود باشـد)، تا اینکه طوس، محل رفت و آمـد شـیعیان من، و زوار م می شود؛ آگاه باشـید! کسـی که مرا با غربتم در طوس زیارت کنـد، در – «مقعد صدق» که «عند ملیک مقتدر» است، در – درجه ی من، با من خواهد بود (اجازه ی راهیابی به درجه ی فوق بهشت، به آنان داده خواهد شد!)، و روز قیامت گناهان او آمرزیده می شود.

[صفحه ۱۱۲]

معرفت به حق ایشان

و مـا لکم ألاـ تنفقوا فی سبیـل الله و لله میراث السـموات و الأرض لا یسـتوی منکم من أنفق من قبل الفتـح و قاتل أولئک أعظم درجه من الذین أنفقوا من بعد و قاتلوا و کلا وعد الله الحسنی و الله بما تعملون خبیر (۱۰)

(حدید ۱۰)

ترجمه: چرا در راه خدا انفاق نکنید، در حالی که میراث آسمانها و زمین، همه از آن خداست (و کسی چیزی

را با خود نمی برد)؟! کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند (با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند)، یکسان نیستند؛ آنها بلند مقام تر از کسانی هستند که بعد از فتح انفاق نمودند، و جهاد کردند؛ و خداوند به هر دو، وعده ی نیک داده؛ و خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است.

حدیث: عن أبی جعفر علیه السلام یقول: یخرج رجل من ولد موسی (بن جعفر علیه السلام)، اسمه اسم أمیرالمؤمنین علیه السلام، فیدفن بأرض طوس - و هی من خراسان - یقتل فیها بالسم فیدفن فیها غریبا، فمن زاره عارفا بحقه، أعطاه الله عزوجل أجر من أنفق من قبل الفتح و قاتل. [۴۷].

[صفحه ۱۱۳]

ترجمه: امام باقر علیه السلام می فرمودند: مردی از فرزندان موسی (بن جعفر علیه السلام) می آید، نام او، نام امیرالمؤمنین علیه السلام (یعنی علی) است، او در سرزمین طوس - که ناحیه ای از خراسان است - دفن خواهد شد؛ در آنجا، با سم و زهر کشته شده، و غریب دفن می شود؛ پس کسی که عارف به حق او بوده، و او را زیارت نماید، خداوند عزوجل به آن شخص، پاداش کسانی را عنایت می فرماید، که قبل از پیروزی، انفاق کرده و جنگیدند!

[صفحه ۱۱۶]

تنها سبب قبولی زیارت

عارف به حق حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام بودن!

با توجه به روایات متعددی که قبولی زیارت، آمرزش گناهان، نجات از مهالک قیامت، کمک و یاری آن حضرت، خشنودی و رضایت خدا و رسول و ... را مستلزم یک شرط، و آن هم: «عارف بودن به حق آن حضرت»، دانسته، پس:

عارف به حق حضرت رضا علیه السلام بودن یعنی چه؟!

چه زیباست که پاسخ این پرسش بسیار مهم و سرنوشت ساز، از زبان مبارک پدربزرگ و جد

ایشان، حضرت امام صادق علیه السلام شنیده شود، آنچنان که بر طبق نقل، فرموده اند:

حدیث: عن حمزه بن حمران قال، قال أبوعبدالله علیه السلام: یقتل حفدتی بأرض خراسان، فی مدینه یقال لها: طوس؛ من زاره الیها عارفا بحقه، أخذته بیدی یوم القیامه و أدخلته الجنه، و ان کان من أهل الکبائر؛ قلت له: جعلت فداك، و ما عرفان حقه؟! قال: یعلم أنه امام مفترض الطاعه، غریب شهید، من زاره عارفا بحقه أعطاه الله عزوجل أجر سبعین شهیدا ممن استشهد بین یدی

رسول الله صلی الله علیه و آله علی حقیقه. [۴۸].

ترجمه: راوی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که فرمودند: نوه ی من در سرزمین خراسان، در شهری که به آن طوس گفته می شود، کشته می شود؛ کسی که (مرقد) او را، در حالی که عارف به حق اوست، زیارت نماید، روز قیامت، دستش را گرفته و او را وارد بهشت می گردانم، اگر چه آن زائر، اهل گناهان کبیره باشد!!

راوی گوید، عرض کردم: فدای شما شوم، عارف بودن به حق ایشان چیست؟! امام صادق علیه السلام فرمودند: اینکه بداند او امام واجب الاطاعه،

غریب،

و شهید

است؛ کسی که او را با عرفان و شناخت به حقش زیارت کند، خداوند عزوجل به او (به زائر ایشان) به حقیقت - نه از روی مجاز و تشبیه! - اجر هفتاد شهیدی که در رکاب و خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله شهید شده اند، را می دهد.

چند پرسش و تذکر بسیار مهم، در توضیح، تبیین و تفهیم حدیث فوق:

۱. علت اهمیت فوق العاده ی «عرفان به حق ائمه علیهم السلام»، که در روایات

متعدد، آن را شرط لازم و اساسی، جهت قبولی زیارت و توسل به حضرت رضا

علیه السلام - و سایر ائمه ی هدی علیهم السلام - دانسته اند؛ و نتیجه ی آن عرفان، چیست؟!

۲. منزلت حقیقی مقام امامت، و واجب الاطاعه بودن امام معصوم علیه السلام به چه معناست؟!

۳. غریب بودن حضرت رضا علیه السلام، که آن قدر در روایات، شناخت و قبول آن، مورد تأکید فراوان می باشد، به چه معناست؟!

۴. شهید بودن حضرت در چه مفهوم آن، مورد نظر است؟!

۵. و اجر کسی که در رکاب، و محضر رسول الله صلی الله علیه و آله به شهادت برسد - با توجه به اهمیت آن، که در روایت فوق، به عنوان نتیجه ی زیارت حضرت رضا علیه السلام و آن هم پاداش واجب الاطاعه، غریب و شهید دانستن امام علیه السلام در نظر گرفته شده - چیست؟!

پاسخ: چه زیباست که پاسخ پرسشهای فوق، با استناد به روایات موثق رسیده - که البته به جهت قصد اختصار، تنها به قطره هایی از دریای بی کران احادیث وارده، اشاره می شود! - بیان گردد، تا خود، گویا و سندی بر پاسخها باشد: ۱. علت اهمیت، و نتیجه و هدف از عارف به حق حضرت رضا علیه السلام - و سایر ائمه علیهم السلام - بودن، یک چیز، و آن هم شناخت حقیقی - نه خیالی! - خداوند متعال، و نتیجتا ورود به بهشت و رضوان الهی، و دوری از خشم و عذاب پروردگار است:

حدیث ۱: عن رسول الله صلی الله علیه و آله قال لعلی علیه السلام: ثلاث اقسم أنهن حق: انک

[صفحه ۱۱۹]

و الأوصیاء من بعدک عرفاء لا یعرف الله الا بسبیل معرفتکم، و عرفاء لا یدخل الجنه الا من عرفکم و عرفتموه، و عرفاء لا یدخل النار الا من أنکرکم و أنکرتموه. [۴۹].

ترجمه: رسول اکرم صلی الله

علیه و آله به علی علیه السلام فرمودند: سه چیز است که من قسم می خورم آنها حقند: اینکه تو و ائمه ی بعد از تو، رؤسا و قیمان شناخته شده ای هستید که خداوند، شناخته نمی شود مگر از راه شناخت و معرفت شما؛ و شما شناخته شدگانی هستید، که داخل بهشت نمی شود، مگر کسی که (با توجه به عرفان اصلی، نه شناس نامه ای!) شما را شناخته، و شما نیز او را (بعنوان شیعه ی مخلص و واقعی) بشناسید؛ و (نیز) سروران شناخته شده ای هستید، که داخل جهنم نمی شود، مگر کسی که شما را نشناخته (و در صدد شناخت و عرفان حقیقی، نسبت به شما هم نبوده باشد!)، و شما نیز او را (با نام شیعه و پیرو) نشناسید!

حدیث ۲: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: یا علی! أنت و الأوصیاء من ولدک أعراف بین الجنه و النار، لا یدخلها الا من عرفکم و عرفتموه، و لا یدخل النار الا من أنکرکم و أنکرتموه. [۵۰].

ترجمه: رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: ای علی! تو و

امامان از فرزندان تو (شما امامان دوازده گانه) همان فرمانروایان مابین بهشت و جهنم هستید، که بر مکانی خاص قرار دارید؛ داخل بهشت نمی شود، مگر کسی که شما را (با توجه به مقامات عرشی تان) شناخته و شما نیز او را (با نام و صفات شیعه ی واقعی) بشناسید؛ و (نیز) داخل جهنم نمی شود، مگر کسی که شما را نشناخته (و نسبت به شناخت حق شما کوتاهی نماید)، و شما نیز او را (بعنوان پیرو) نشناسید، (یعنی چنین شخصی، جایگاهش جهنم و عذاب الهی خواهد بود).

۲. توضیح و شرح مقام امامت، و

برتری بی تردید آن بر مقام رسالت و نبوت، بصورتی مفصل، در کتاب «ولایت علی و آل علی علیهم السلام، راز پنهان قرآن» اثر همین مؤلف آمده است، که توجه علاقمندان این مباحث را به مراجعه و مطالعه ی آن جلب می نمائیم.

اما بصورتی بسیار مختصر، و در یک کلام باید عرض کرد: که جناب ابراهیم خلیل الله علیه السلام، پس از عمری بر دوش گرفتن مسئولیت رسالت و نبوت، و سپری نمودن آزمایشات سنگین الهی، توفیق و لیاقت کسب مقام امامت را از جانب حق تعالی پیدا نموده، و رسما بعنوان امام، معرفی می گردد، که آیه ی ۱۲۴ سوره ی بقره بدان اشاره می فرماید.

بنابراین رسیدن به کنه مقام امامت، و آن هم امامت تام و کامل، که تنها در وجود نورانی چهارده معصوم علیهم السلام متجلی گشته، و فهمیدن ذات چنین نورانیتی، هرگز برای هیچکس، جز آنانی که به آن مقام

رسیده اند - که تنها چهارده معصوم و حضرت ابراهیم علیهم السلام می باشند - میسر نخواهد بود.

بنابراین زائری که به زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام مشرف می شود، باید حتما مقام امامت تام و بی نقص را برای آن حضرت، در روح و جان خویش، قائل بوده، تا زیارت او، اثرات ویژه ی خود را داشته باشد، و الا ... !

آن هم امامتی که در تمامی شئون، اطاعت آن واجب و بی قید و شرط است!

که از جمله، مقامات، فضائل و خصوصیات منحصر به فرد امامت، عبارتند از:

آنان (امامان): عدل و هم تراز قرآنند!

خلفاء خداوند و خلفاء رسولند!

أفضل الخلقند!

أبواب الله اند!

أركان الارض، و أركان عالم اند!

مخزن تمامی علوم و اسرار الهی اند!

عالم به تمام ماکان و ما یکون اند!

عالم به اسم الله الأعظم اند!

واجب الاطاعه، و اساس الاسلام اند!

نجات بخش

از مهالک مرگ، قبر و قیامت اند!

حب آنان ایمان، و بغض آنان کفر است!

[صفحه ۱۲۲]

حاکمان بلا تردید قیامت اند (به اذن حق تعالی)! و ...

و اما مفترض الطاعه بودن امام:

حدیث ۱: عن أبی الحسن العطار قال: سمعت أباعبدالله علیه السلام یقول: أشرک بین الأوصیاء و الرسل فی الطاعه. [۵۱].

ترجمه: راوی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: اوصیاء و رسولان را در اطاعت نمودن، شریک بدان (یعنی همچنان که اطاعت رسولان الهی بر تو لازم است، اطاعت اوصیاء آنان را نیز لازم دانسته، و هر دو گروه را واجب الاطاعه بدان!)

حدیث ۲: عن بشیر العطار قال: سمعت أباعبدالله علیه السلام یقول: نحن قوم فرض الله طاعتنا و أنتم تأتمون بمن لا یعذر الناس بجهالته. [۵۲].

ترجمه: راوی گوید: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: ما (اهل بیت پیغمبر علیهم السلام) جمعی هستیم که خداوند، اطاعت کردن از ما را (بر همگان) واجب کرده، و شما (شیعیان) جمع شده اید، به آنچه که مردم با جهل به آن، عذری ندارند (یعنی شما به دور ولایت ما اهل بیت علیهم السلام جمع شده اید، همانی که در عدم پذیرش آن، هیچ عذری از کسی پذیرفته نیست).

[صفحه ۱۲۳]

حدیث ۳: عن أبی سلمه، عن أبی عبدالله علیه السلام قال: سمعته یقول: نحن الذین فرض الله طاعتنا، لا یسع الناس الا معرفتنا، و لا یعذر الناس بجهالتنا، من عرفنا کان مؤمنا و من أنکرنا کان کافرا، و من لم یعرفنا و لم ینکرنا ضالا حتی یرجع الی الهدی الذی افترض الله علیه من طاعتنا الواجبه، فان یمت علی ضلالته یفعل الله به ما یشاء. [۵۳].

ترجمه: راوی گوید: از جعفر بن محمد الصادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: ما (اهل بیت پیغمبر علیهم السلام) کسانی هستیم

که خداوند، اطاعت ما را (بر همگان) واجب گردانیده؛ مردم سعی و تلاشی نمی کنند، مگر برای شناخت و معرفت ما (یعنی سعی و تلاش مقبول نزد خداوند، در جهت کسب معرفت ما است و نه غیر، «و أن لیس للانسان الا ما سعی»!)، و مردم با جهل به (مقام و فضائل) ما، عذری نخواهند داشت، کسی که ما را (با تمامی فضائل و بصورتی جامع) بشناسد، مؤمن؛ و کسی که ما را انکار نماید، کافر است؛ و کسی که نه ما را شناخته و نه ما را انکار نماید، ضال و گمراه است، مگر آنکه به سوی هدایت، که همان اطاعت واجبه از ما می باشد و خداوند آن را واجب گردانیده، برگردد (یعنی خود، بخواهد، تا خداوند نیز شرایط هدایتش را فراهم سازد!)؛ پس اگر بر همان ضلالت و گمراهی اش بمیرد، خداوند (برای جزایش)، هر کاری که بخواهد، انجام می دهد!

[صفحه ۱۲۴]

۳. در ارتباط با غریب بودن حضرت رضا علیه السلام - که یکی از اساسی ترین و مهمترین مسائل مربوط به امامت ایشان است! - سخن بسیار بوده، و لازم است، اهمیت آن روشن گردد.

با بررسی دقیق برخی روایات وارده و ادعیه ی مستند رسیده، به سهولت روشن می شود، که در میان تمامی ائمه ی هدی علیهم السلام تنها دو امام هستند که با لفظ مؤکد «غریب» و یا حتی «غریب الغرباء» یاد شده اند:

- یکی حضرت سیدالشهداء حسین بن علی علیهماالسلام و آن هم به جهت عظمت مصائب روز عاشورا؛

- و دیگری حضرت علی بن موسی الرضا علیهماالسلام، و آن هم به جهت جدا شدن از مضجع شریف جدشان رسول الله صلی الله علیه و آله، و دوری مرقد مطهر

ایشان از مدینه ی منوره؛

که خود، یکی از عظیم ترین سختیها و ناگواری هایی است که حضرت رضا علیه السلام متحمل گشتند، هر چند که ممکن است در ذهن ناقص ما انسانها، کنه و ذات چنین مطلب مهمی روشن نشده، و خدای ناکرده حتی کوچک و کم اهمیت نیز جلوه گر شود! حدیث: عن علی بن ابراهیم بن هاشم عن أبیه، قال: حدثنی مخول السجستانی، قال: لما ورد البرید باشخاص الرضا علیه السلام، الی خراسان کنت أنا بالمدینه فدخل المسجد لیودع رسول الله صلی الله علیه و آله، فودعه مرارا کل ذلک یرجع الی القبر؛ و یعلو صوته بالبکاء و النحیب فتقدمت الیه و سلمت علیه فرد علی السلام و هنأته، فقال: ذرنی فانی أخرج من جوار جدی رسول الله صلی الله علیه و آله و أموت فی غربه و أدفن الی جنب قبر هارون، قال: فخرجت متبعا لطریقه حتی مات

[صفحه ۱۲۵]

بطوس و دفن الی جنب هارون الرشید. [۵۴].

ترجمه: راوی نقل می کند: هنگامی که مأمور برای بردن حضرت رضا علیه السلام به خراسان آمد، من در مدینه بودم، دیدم (حضرت، قبل از آغاز سفر به خراسان) برای وداع با پیغمبر صلی الله علیه و آله وارد مسجد شده، و چند مرتبه وداع نمودند، و باز برمی گشتند و صدا به گریه و ناله بلند می کردند؛ نزدیک رفته سلام کردم، ایشان جواب دادند؛ سپس تبریک سفر گفتم؛ حضرت رضا علیه السلام فرمودند: مرا رها کن - چرا که - من از جوار جدم رسول الله صلی الله علیه و اله می روم (و مرا به زور خلیفه، از جدم جدا می کنند) و در غربت می میرم و کنار قبر هارون دفن می شوم؛ راوی گوید: من به

دنبال ایشان (به خراسان) رفتم تا اینکه (پس از گذشت حدود سه سال) به شهادت رسیده و کنار قبر هارون به خاک سپرده شدند.

به هر حال، در مقام مقایسه: اینکه غربت حضرت رضا علیه السلام با سایر ائمه ی اطهار علیهم السلام صرفا از جنبه ی تعداد زوار، و یا چگونگی عظمت حرمهای مطهرشان، مورد بررسی قرار گیرد، خطا و اشتباهی بزرگ است، چرا که ملاک این غربت - همانگونه که ذکر شد- مشخص گردیده و هرگز نیز، تا ظهور حضرت بقیه الله (ارواحنا الفداه) تغییر نیافتنی است!

علی کل حال، یک زائر با معرفت، و کسی که امید به قبولی زیارت و برآورده شدن حاجات، طمع دیدار، و یاری حضرت رضا علیه السلام را دارد،

[صفحه ۱۲۶]

بدون شک باید ابتدا، مسئله ی «غربت حضرت رضا علیه السلام» را در وجود خویش روشن نموده، و بعد آن را با جان و دل پذیرا باشد و سپس به زیارت آن حضرت مشرف شود!

۴. «شهید» بودن حضرت رضا علیه السلام، باید از دو جنبه مورد دقت و بررسی قرار گیرد:

الف) یکی آنکه «شهید»، بنابر آیات کریمه ی قرآن، و بیان روایات، به کسانی که «قتلوا فی سبیل الله» هستند اطلاق می شود. یعنی کسانی که جان و تمام هستی مادی خویش را در راه خدا و برای رضایت و خشنودی او، فدا می کنند؛ که در این راستا، در صدر تمامی فدا کنندگان، انبیاء و اولیاء الهی و بالاخص محمد و آل محمد علیهم السلام می باشند، چنانچه در احادیث مختلفی، چه از نبی اکرم صلی الله علیه و اله و چه از ائمه ی اطهار علیهم السلام آمده - همانطور که در همین کتاب، یک نمونه از آن از بیان حضرت رضا علیه السلام اشاره

شد -:

ما اهل بیت، یا با شمشیر و یا با زهر کشته می شویم و به مرگ طبیعی از دنیا نمی رویم!

بنابراین، تمامی اهل بیت پیغمبر علیهم السلام (ائمه)، حتی حضرت رضا علیه السلام نیز با نیرنگ و حیله ی شیطانی حاکمان جور، به شهادت رسیده اند، یعنی «قتلوا فی سبیل الله»!

و این برخلاف آن نظری است که: حضرت رضا علیه السلام بدست مأمون عباسی ملعون به شهادت نرسیده، بلکه با مرگ طبیعی و بیماری عادی از دنیا رفته اند!

[صفحه ۱۲۷]

ب) دیگر آنکه «شهید» به معنای شاهد و گواه، استعمال شده، چنانچه خداوند متعال با تعابیر مختلف، در قرآن فرموده:

«و الله علی کل شی ء وکیل»؛ «و أنت علی کل شی ء شهید»؛ و ...

بنابراین، اصل معنای «شهید» و استفاده ی آن در قرآن و روایات، عموما به معنای «شاهد و گواه» است، نه «قتلوا فی سبیل الله»!

مسئله ی شاهد و گواه بودن بر اعمال و رفتار، یکی از مطالب مهم، و لازم به توضیح و بررسی بوده و مجال خاص خویش را می طلبد؛ اما مختصر مطلب آنکه:

شاهد اصلی و گواه بر تمامی ماکان و یکون، ذات اقدس الهی؛ و به تبع - با اجازه و اذن حق تعالی - اولیاء خاص او، یعنی همان انبیاء و خاصان درگاهش - البته بنابر رتبه و درجه در نزد پروردگار - شاهد و گواه بر اعمال عالم می باشند؛

یعنی آن چنانکه پروردگار متعال، خود شاهد و ناظر بر اعمال ما است، با اذن و فیض خاص او نیز بسیاری از اولیاء ویژه اش و در رأس تمامی آنها، پیامبر و آل پاکیزه ی ایشان علیهم السلام، شاهد و ناظر اعمال ما هستند. به عنوان نمونه، با بررسی دقیق در حالات و زندگانی بسیاری از عرفا

و بزرگـان دین در می یـابیم که حتی آنان - بنابر درجات معنوی شان - در برخی موارد شاهـد و ناظر بر اعمال و رفتار روزمره ی زنـدگی ما بوده انـد، حال چه رسد به حجج برگزیده ی او، و انبیاء والا مقام، و بالاخص محمد و آل محمد علیهم السـلام!؛ که البته گواه بر این مطلب و مؤید و مکمل آن، آیه ی ۱۰۵ سوره توبه می باشد، که

[صفحه ۱۲۸]

می فرماید:

و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنین و ستردون الی عالم الغیب و الشهاده فینبئکم بما کنتم تعملون.

ترجمه: بگو: عمـل کنیـد! خداونـد و رسول او و مؤمنـان، اعمـال شـما را می بیننـد؛ و به زودی به سوی دانـای نهـان و آشـکار (خداوند متعال)، بازگردانده می شوید، و شما را به آنچه عمل می کردید، خبر می دهد!

سؤال: نظاره کردن خداوند و رسول او بر اعمال مشـخص است؛ حال، مؤمنان هم که شاهد و ناظر اعمال ما هسـتند، چه کسانی می باشند؟!

البته روایات بسـیار، در ذیل آیات متعدد قرآنی، گویای این حقیقت است که اهل بیت پیغمبر علیهم السـلام به استثنای علی بن ابیطالب علیه السـلام - یعنی از امام مجتبی تا امام زمان علیهم السلام - همان «مؤمنان» در قرآن، و مخاطب «یا ایها الذین آمنوا» می باشـند؛ و صـد البته که حضـرت علی علیه السـلام نیز به جهت لقب خـاص خویش، که از جـانب حق تعـالی و تنها مختص ایشان قرار داده شـده، «یعنی همان لقب امیرالمؤمنین»، در صدر تمامی مؤمنین و بلکه در صدر مقام ائمه ی هدی علیهم السـلام جای دارند و قطعا بر همین اساس، و مؤید چنین مطلبی است، که هم در روایات بی شـمار و هم در زیارات و ادعیه رسـیده، از ائمه ی اطهار علیهم السلام بالاخص امیرالمؤمنین

علیه السلام، با عنوان «عین الله» و یا «عین الله الناظره» یاد می شود؛ که بحمدالله مورد تأیید شیعه و سنی و دیگران می باشد!

[صفحه ۱۲۹]

الف) عرضه ی اعمال به رسول الله صلی الله علیه و آله و ناظر بودن ایشان بر تمامی اعمال مردم:

حدیث ۱: عن محمد بن مسلم، عن أبی عبدالله علیه السلام فی قوله تعالی «اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله»؛ قال: ان الله شاهدا فی أرضه و ان أعمال العباد تعرض علی رسول الله صلی الله علیه و آله. [۵۵].

ترجمه: امام صادق علیه السلام در توضیح آیه ی فوق فرمودند: به راستی که برای خداوند در زمینش، شاهدی وجود دارد (که همان رسول الله صلی الله علیه و اله است)، و براستی که اعمال تمامی بندگان به محضر رسول الله صلی الله علیه و اله عرضه می شود!

حدیث ۲: عن أبی بصیر، عن أبی عبدالله علیه السلام قال: تعرض الأعمال علی رسول الله صلی الله علیه و اله اعمال العباد کل صباح أبرارها و فجارها، فاحذروها و هو قول الله عزوجل «اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله»، و سکت

.[۵۶]

ترجمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر روز صبح، اعمال نیک و بد تمامی بندگان، (اعمال ابرار و فجار) به رسول الله صلی الله علیه و اله عرضه می شود، پس از اعمال زشت و ناپسند بپرهیزید؛ و این مطلب - یعنی عرضه ی اعمال به رسول الله صلی الله علیه و اله - کلام خداوند عزوجل است که فرموده «اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله»؛ یعنی هر کاری می خواهید بکنید، پس خدا و رسول او، اعمال شما را - چه نیک و چه بد - می بینند!؛ و حضرت صادق علیه السلام پس از تلاوت این قسمت

از آیه، سکوت کرده و

[صفحه ۱۳۰]

ادامه ی آیه را که «و المؤمنون» است، قرائت نکردند - کنایه از آنکه ما اهل بیت پیغمبر علیهم السلام نیز به تمامی اعمال و رفتار شما مسلط، و به آنها آگاهیم؛ چرا که منظور از مؤمنون در این آیه، ائمه علیهم السلام می باشند که ذیلاً خواهد آمد -!

ب) عرضه ی اعمال به ائمه طاهرین علیهم السلام، و ناظر بودن ایشان بر تمامی اعمال خلائق:

حدیث ۳: عن یعقوب بن شعیب، عن أبی عبدالله علیه السلام فی قول الله تعالی «و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون «قال: المؤمنون هنا الأئمه الطاهره علیهم السلام. [۵۷] ترجمه: حضرت امام صادق علیه السلام در توضیح و تفسیر آیه ی «و بگو: هر کاری که می خواهید انجام دهید، پس خدا و رسول او، و مؤمنان اعمال شما را می بینند!» فرمودند: مقصود از مؤمنان (که شاهد و ناظر تمامی اعمال پنهان و آشکار شما هستند)، در این آیه، ائمه ی طاهرین علیهم السلام می باشند!

حدیث ۴: عن برید العجلی قال: کنت عند أبی عبدالله علیه السلام فسئلته عن قوله «و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون»؟ قال: ایانا عنی. [۵۸].

ترجمه: راوی گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودم، و از ایشان در تفسیر و تأویل کلام خداوند که فرموده «و بگو: عمل کنید! پس خدا و رسول او، و مؤمنان شاهد و ناظر

[صفحه ۱۳۱]

اعمال شما هستند!»، سؤال کردم؟! امام فرمودند: (مقصود از مؤمنان) فقط و فقط ما - اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله - هستیم!

- چند نکته ی بسیار مهم و قابل توجه:

نکته ۱: نه تنها - به اذن پروردگار منان - پیامبر و اهل بیت ایشان علیهم السلام شاهد و ناظر بر تمامی

اعمال می باشند، بلکه اصولا بر اساس روایات رسیده، اعمال مخلوقات، ابتدا در محضر و دسترس ائمه ی اطهار علیهم السلام قرار گرفته و سپس این بزرگواران - پس از بررسی و تجدیدنظر؛ و بلکه اصلاح برخی اعمال! - آن را به محضر حق تعالی، تقدیم می دارند:

حدیث: عن عبدالله بن أبان قال، قلت للرضا علیه السلام ان قوما من موالیک سئلونی أن تدع الله لهم؟ فقال: و الله، انی لأعرض أعمالکم علی الله فی کل یوم. [۵۹].

ترجمه: راوی گوید به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: جمعی از دوستداران شما از من درخواست کردند که از شما بخواهم آنها را نزد خدا - در اوقات دعا و ارتباط شما با خدا - یاد کنید! امام رضا علیه السلام فرمودند: به خدا قسم، براستی که من اعمال تمامی شما را در هر روز بر خداوند عرضه می دارم.

- یعنی مواظب اعمال و رفتار خود باشید، تا در این ارتباط ما بین من با خداوند متعال، اعمال نورانی و نیک شما درخشیده و نزد پروردگار به خوبی یاد شوید، تا خداوند از شما راضی و خشنود گردد؛ و الا یاد کردن در هنگام دعا و

[صفحه ۱۳۲]

ارتباط با خدا، تنها برای شما کافی نیست -!!

نکته ۲: همواره باید مدنظر داشت که ائمه ی اطهار علیهم السلام - یعنی همان شاهدان اعمال - امانت داران حقیقی، و سر نگاهداران الهی می باشند. یعنی هر چند که ناظر بر تمامی اعمال سری و آشکار ما هستند، اما تمامی آن اعمال، به عنوان امانت نزد آنان بوده و آن سروران نیز، با تمام جوانب حفاظت، از آنها نگهداری می نمایند، و جز وجود نورانی چهارده معصوم علیهم السلام، شخص دیگری، هرگز از اعمال

- العیاذ بالله - زشت و ناپسند ما، مطلع نخواهد گشت؛ و نیز اطلاع ملائکه، در رتبه ی بعد خواهد بود، یعنی اطلاع آنان از اعمال ما، با اذن و اجازه ی ائمه اطهار علیهم السلام - که خود، اجازه داران از جانب پروردگار هستند - صورت خواهد پذیرفت:

حدیث: عن الحسین بن میاح عمن أخبره قال: قرء رجل عند أبی عبدالله علیه السلام «و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون»! فقال: لیس هکذا، انما هی: و المأمونون، فنحن المأمونون. [۶۰].

ترجمه: راوی گوید: شخصی در محضر حضرت صادق علیه السلام این آیه را قرائت کرد، «و بگو: عمل کنید! پس خدا و رسول او و مؤمنان، اعمال شما را می بینند!» (و شاید منظور قاری از «مؤمنان»، تمامی مؤمنان بوده، چرا که) حضرت صادق علیه السلام فرمودند: این چنین نیست! بلکه تنها مقصود از مؤمنان، امانت داران حقیقی می باشند (که شاهد و ناظر اعمال

[صفحه ۱۳۳]

هستند)؛ پس آن امانت داران [المأمونون] ما اهل بیت پیغمبر علیهم السلام هستیم!!

نکته ۳: در پائین ترین مرتبه، برخی از نیکان و ابرار، شاهد و ناظر بر اعمال بوده؛ و در مرتبه ای بالاتر، انبیاء و اوصیاء آنان و سپس ملائکه ی الهی و نهایتا امامان دوازده گانه از آل رسول علیهم السلام شاهد و گواه بر اعمال انسانها می باشند. اما باید توجه داشت که بر اعمال و رفتار تمامی عالم، اعم از ملائکه، انبیاء و اوصیاء آنان، اولیاء الله و حتی ائمه ی اطهار علیهم السلام؛ شمس عالم خلقت، یعنی رسول اکرم صلی الله علیه و اله نظارت داشته و شاهد می باشند:

حدیث ۱: عن برید العجلی قال: سألت أباعبدالله علیه السلام، عن قول الله عزوجل «و کذلک جعلناکم امه وسطا لتکونوا شهداء علی الناس»؟ [۶۱]

قال: نحن الامه الوسطی، و نحن شهداء الله علی خلقه، و حججه فی أرضه؛ قلت: قول الله عزوجل «مله أبیکم ابراهیم»؟ قال: ایانا عنی خاصه، «هو سماکم المسلمین من قبل فی الکتب التی مضت،» و فی هذا» القرآن، «لیکون الرسول علیکم شهیدا» [۶۲] فرسول الله صلی الله علیه و اله الشهید علینا بما بلغنا عن الله عزوجل و نحن الشهداء علی الناس، فمن صدق صدقناه یوم القیامه، و من کذب کذبناه یوم القیامه. [۶۳].

ترجمه: راوی گوید از حضرت صادق علیه السلام در مورد تفسیر آیه ی «و آن گونه شما را حد وسط و نقطه ی اعتدال قرار دادیم، تا بر

[صفحه ۱۳۴]

مردم گواه باشید!» سؤال کردم؟ حضرت فرمودند: امت وسطی [میانه روان، و حد اعتدال برجسته ی تمامی امم] ما هستیم، و ما شاهدان بر (اعمال و رفتار، و نیات) مخلوقات خداوند، و حجتهای او در زمینش می باشیم - و به تبع ما، شیعیان حقیقی و سپس دوستداران و پیروان ما هستند -؛ سپس از آیه ی «مله أبیکم ابراهیم» سؤال کردم؟ فرمودند: مقصود، تنها و تنها ما می باشیم، (و نیز مقصود از) «او شما را از قبل، تسلیم در برابر حق نامید»، یعنی در کتب آسمانی گذشته خداوند، ما اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و اله را مسلمان - تسلیم محض در برابر حق - نامید؛ (و منظور از) «و فی هذا» یعنی در قرآن (نیز ما را مسلمان نامید)؛ «تا پیامبر صلی الله علیه و اله بر شما شاهد و گواه باشد»، پس رسول الله صلی الله علیه و اله شاهد و گواه بر ما (ائمه علیهم السلام) است، به آنچه که از جانب خداوند (و دین او) ابلاغ

نمودیم، و ما (نیز) شاهـدان بر مردم می باشـیم، پس کسـی که ما را تصـدیق نمایـد، ما نیز او را در قیامت تصـدیق می کنیم، و کسی که ما را تکذیب نماید، ما نیز او را در قیامت تکذیب می کنیم!

نتیجه گیری بحثهای مطرح شده:

بـا توجه به مطالب بیان شـده، روشن می گردد که، اگر زائری، قصـد قبولی زیارت و جلب توجه حضـرت رضا علیه السـلام به خود، و امید شفاعت

[صفحه ۱۳۵]

ایشان و ... را دارد، حتما باید با تمامی وجود و قلب خویش بپذیرد که:

۱. حضرت رضا علیه السلام تمامی مراتب والای امامت - که خود، شناخت مفصلی نیز نیاز دارد - را دارا بوده، و تمام فضائل، و اختیارات امامت تام در وجود ایشان جمع گردیده است!

۲. ایشان واجب الاطاعه در تمامی اعصار و دورانها می باشند - نه فقط در زمان حیات مبارکشان -!

۳. امام رضا علیه السلام، تا قیامت، غریب بوده، هر چند که ظاهرا زائران بسیار داشته باشند.

۴. حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام «شهید» به معنای «قتلوا فی سبیل الله» اند.

۵. آن حضرت، شاهد و ناظر، و گواه بر تمامی اعمال و رفتار، و حتی نیات ما می باشند!

بنابراین، پس از فهمیدن و پذیرش این خصوصیات برای حضرت رضا علیه السلام، یک زائر می تواند:

الف) امید به قبولی زیارت خویش داشته باشد!

ب) و نیز می تواند، امید به کسب آن فضـیلت عظیم، که همان اجر هفتاد شـهید در رکاب و محضـر رسول الله صـلی الله علیه و اله و ... است، را نیز داشته باشد!

[صفحه ۱۴۳]

زیارت نامه حضرت امام رضا علیه السلام

زیارت مشـهور و معروف حضـرت رضا علیه السـلام، همان زیارتی است که به یکی از اساتیـد شـیخ صـدوق [جناب محمد بن الحسن بن

الولیـد] منسوب می باشـد، و در کتاب «المزار» جناب ابن قولویه و «من لا یحضـره الفقیه» شـیخ صـدوق به نقل از ائمه ی اطهار علیهم السـلام وارد شـده که: هر گـاه اراده نمـایی، زیـارت کنی قبر امـام رضا علیه السـلام را در طوس، پس غسل کن، پیش از آنکه از خانه بیرون روی و بگو در وقتی که غسل می کنی:

اللهم طهرنی و طهرلی قلبی و اشـرح لی صـدری و أجر علی لسـانی مـدحتک و الثنـاء علیـک فانه لا قوه الا بک اللهم اجعله لی طهـورا و شـفاء و می گـویی در وقت بیرون رفتن بسم الله و بـالله و الی الله و الی ابن رسول الله حسـبی الله توکلت علی الله اللهم الیک توجهت و الیک قصدت و ما عندک أردت .پس هنگامی که به جهت زیارت از منزل بیرون می آیی بر

[صفحه ۱۴۴]

در خانه خود بایست و بگو:

اللهم الیک وجهت وجی و علیک خلفت أهلی و مالی و ما خولتنی و بک وثقت فلا تخیبنی یا من لا یخیب من أراده و لا یضیع من حفظه صل علی محمد و آل محمد [و آله] و احفظنی بحفظک فانه لا یضیع من حفظت. پس هر گاه [ان شاء الله] به سلامت به مشهد الرضا علیه السلام رسیدی، زمانی که خواستی به زیارت، مشرف شوی، غسل کرده و در هنگام غسل بگو:

اللهم طهرنی و طهرلی قلبی و اشـرح لی صـدری و أجر علی لسـانی مـدحتک و محبتـک و الثناء علیک فانه لا قوه الا بک و قد علمت أن قوام دینی التسـلیم لأـمرک و الاتباع لسـنه نبیک و الشـهاده علی جمیع خلقک اللهم اجعله لی شـفاء و نورا انک علی کل شی ء قدیر پس پاکیزه ترین

جامه های خود را پوشیده و با پای برهنه، و به آرامی و وقار گام بردار، و دلت بیاد خدا باشد و الله اکبر و لا اله الا الله و سبحان الله و الحمدلله بگو و گامهای خود را کوتاه بردار، و چون داخل روضه ی مقدسه شدی بگو:

بسم الله و بالله و علی مله رسول الله صلی الله علیه و آله أشهد أن لا اله الا الله وحده لا شریک له و أشهد أن محمدا عبده و رسوله و أن علیا ولی الله پس به نزد ضریح رفته و قبله را در پشت خود بگیر و رو به روی آن حضرت بایست و بگو:

[صفحه ۱۴۵]

أشهد أن لا اله الا الله وحده لا شریک له و أشهد أن محمدا عبده و رسوله و أنه سید الأولین و الآخرین و أنه سید الأنبیاء و المرسلین.

اللهم صلی علی محمد عبدک و رسوله و نبیک و سید خلقک أجمعین صلاه لا یقوی علی احصائها غیرک

اللهم صلی علی أمیرالمؤمنین علی بن أبی طالب عبدک و أخی رسولک الذی انتجبته بعلمک و جعلته هادیا لمن شئت من خلقک و الدلیل علی من بعثته برسالاتک و دیان [دیان] الدین بعدلک و فصل [فصل] قضائک بین خلقک و المهیمن علی ذلک کله و السلام علیه و رحمه الله و برکاته

اللهم صلی علی فاطمه بنت نبیک و زوجه ولیک و أم السبطین الحسن و الحسین سیدی شباب أهل الجنه الطهره الطاهره المطهره التقیه النقیه الرضیه الزکیه سیده نساء أهل الجنه أجمعین صلاه لایقوی علی احصائها غیرک

اللهم صلی علی الحسن و الحسین سبطی نبیک و سیدی شباب أهل الجنه القائمین فی خلقک و الدلیلین علی من بعثت

[بعثته] برسالاتک و دیانی الدین بعدلک و فصلی قضائک بین خلقک

اللهم صلی علی علی بن الحسین عبدک القائم فی خلقک و الدلیل علی من بعث برسالاتک و دیان الدین بعدلک و فصل قضائک بین خلقک سید

[صفحه ۱۴۶]

العابدین

اللهم صلی علی محمد بن علی عبدک و خلیفتک فی أرضک باقر علم النبیین

اللهم صلی علی جعفر بن محمد الصادق عبدک و ولی دینک و حجتک علی خلقک أجمعین الصادق البار

اللهم صلی علی موسی بن جعفر عبدک الصالح و لسانک فی خلقک الناطق بحکمک [بحکمتک] و الحجه علی بریتک

اللهم صلی علی علی بن موسی الرضا المرتضی عبدک و ولی دینک القائم بعدلک و الداعی الی دینک و دین آبائه الصادقین صلاه لا یقوی علی احصائها غیرک

اللهم صلی علی محمد بن علی عبدک و ولیک القائم بأمرک و الداعی الی سبیلک اللهم صلی علی علی بن محمد عبدک و ولی دینک

اللهم صلی علی الحسن بن علی العامل بأمرک القائم فی خلقک و حجتک المؤدی عن نبیک و شاهدک علی خلقک المخصوص بکرامتک الداعی الی طاعتک و طاعه رسولک صلواتک علیهم أجمعین

اللهم صلی علی حجتک و ولیک القائم فی خلقک صلاه تامه نامیه باقیه تعجل بها فرجه و تنصره بها و تجعلنا معه فی الدنیا و الآخره اللهم انی أتقرب الیک بحبهم و أوالی ولیهم و أعادی عدوهم فارزقنی بهم خیر الدنیا و

[صفحه ۱۴۷]

الآخره و اصرف عنی بهم شر الدنیا و الآخره و أهوال یوم القیامه پس می نشینی نزد سر آن حضرت و می گویی: السلام علیک یا ولی الله السلام علیک یا حجه الله السلام علیک یا نور الله فی ظلمات الأرض السلام علیک یا عمود الدین السلام علیک یا وارث

آدم صفوه الله السلام علیک یا وارث نوح نبی الله السلام علیک یا وارث ابراهیم خلیل الله السلام علیک یا وارث اسماعیل ذبیح الله السلام علیک یا وارث موسی کلیم الله السلام علیک یا وارث عیسی روح الله السلام علیک یا وارث محمد رسول الله السلام علیک یا وارث أمیرالمؤمنین علی ولی الله و وصی رسول رب العالمین السلام عیک یا وارث فاطمه الزهراء السلام علیک یا وارث الحسن و الحسین سیدی شباب أهل الجنه السلام علیک یا وارث علی بن الحسین زین العابدین السلام علیک یا وارث محمد بن علی باقر علم الأولین و الآخرین السلام علیک یا وارث جعفر بن محمد الصادق البار السلام علیک یا وارث موسی بن جعفر السلام علیک ایها الصدیق الشهید السلام علیک أیها الوصی البار التقی أشهد أنک قد أقمت الصلاه و آتیت الزکاه و أمرت بالمعروف و نهیت عن المنکر و عبدت الله [مخلصا] حتی أتاک الیقین السلام علیک یا أباالحسن و رحمه الله و برکاته پس خود را بر ضریح می چسبانی و می گویی: اللهم الیک صمدت من أرضی و قطعت

[صفحه ۱۴۸]

البلاد رجاء رحمتک فلا تخیبنی و لا تردنی بغیر قضاء حاجتی و ارحم تقلبی علی قبر ابن أخی رسولک صلوات علیک و آله بأبی أنت و أمی یا مولای أتیتک زئرا وافدا عائذا مما جنیت علی نفسی و احتطبت علی ظهری فکن لی شافعا الی الله یوم فقری و فاقتی فلک عندالله مقام محمود و انت عنده وجیه پس دست راست را [به حالت دعا] بلند می کنی و دست چپ را بر قبر می گشایی و عرضه می داری: اللهم انی أتقرب الیک بحبهم و بولایتهم أتولی آخرهم بما

تولیت به أولهم و أبرأ من کل ولیجه دونهم الله العن الـذین بدلوا نعمتک و اتهموا نبیک و جحدوا بآیاتک و سـخروا بامامک و حملوا الناس علی أکتاف آل محمـد اللهم انی أتقرب الیک باللعنه علیهم و البراءه منهم فی الـدنیا و الآخره یا رحمان پس برمی گردی و به نزد پای آن حضـرت می روی و می گویی: صـلی الله علیک یا أباالحسن صـلی الله علی روحک و بدنک صبرت و أنت الصـادق المصـدق قتـل الله من قتلـک بالأیـدی و الألسن. پس تضـرع نموده و در لعنت کردن بر کشـنده ی امیرالمؤمنین و قاتلان حسن و حسین علیهم السلام و قاتلان جمیع اهل بیت رسول خدا علیهم السلام مبالغه کن.

پس از پشت قبر مطهر به نزد سر آن حضـرت برو و دو رکعت نماز [زیارت] بگذار؛ در رکعت اول بعد از حمد، سوره ی یس و در رکعت

[صفحه ۱۴۹]

دوم سوره ی الرحمن را بخوان.

و در دعا و تضرع کوشش نما و برای خود، پدر و مادر و جمیع برادران مؤمن خود بسیار دعا کن.

زیـارت، و صـلوات خـاصه که جنـاب ابن قولـویه از بعض ائمه علیهم السـلام روایت نمـوده که فرمودنـد: هرگـاه نزد قـبر مطهر حضرت رضا علیه السلام می روی بگو:

اللهم صـل علی علی بن موسـی الرضـا المرتضـی الامـام التقی النقی و حجتک علی من فوق الأرض و من تحت الثری الصـدیق الشهید صلاه کثیره تامه زاکیه متواصله متواتره مترادفه کأفضل ما صلیت علی أحد من أولیائک.

اللهم تقبل منا انک أنت السمیع العلیم

بحق مولانا و سیدنا

أبی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام

پاورقی

[۱] اثبات الهداه ج ۶ ص ۲۶ ح ۵۷.

[۲] اثبات الهداه باب فی النصوص علی امامه أبی الحسن الرضا علیه السلام ح ۱۸.

[۳] الکافی ج

۴ ص ۵۳۶ ح ۶/ وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۳۰۳ ح ۱۹۲۵۸.

[۴] مصباح المتهجد للطوسی ص ۷۳۵ / وسائل الشیعه ج ۱۴ ح ۱۹۲۶۱ / مشابه: مسار الشیعه للمفید.

[۵] علل الشرایع ص ۴۰۸ ح ۱.

[۶] التهذیب ج ۵ ص ۴۳۳ ح ۱۵۰۲ / وسائل الشیعه ج ۱۴ ح ۱۹۲۴۷.

[۷] الفقیه ج ۲ ص ۲۷۶ ح ۱۳۴۷.

[۸] الکافی ج ۴ ص ۵۳۶ ح ۲ / وسایل الشیعه ج ۱۴ ح ۱۹۲۶۳.

[۹] الکافی ج ۴ ص ۵۳۶ ح ۴/ وسایل الشیعه ج ۱۴ ح ۱۹۲۶۴.

[۱۰] الکافی ج ۴ ص ۲۵۲ ح ۱۴ / وسائل الشیعه ج ۱۴ ح ۱۹۲۴۳.

[۱۱] کامل الزیارات ص ۳۰۵ / الکافی ج ۴ ص ۵۸۴ ح ۲ / التهذیب ج ۶ ص ۸۴ ح ۱۶۶ / عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۲۵۸ ح ۱۵.

[۱۲] التهذیب ج ۶ ص ۸۴ ح ۱۶۷ / وسایل الشیعه ج ۱۴ ح ۱۹۸۳۳/ أمال الصدوق ص ۱۰۵ ح ۶/ الکافی ج ۴ ص ۵۸۵ ح ۴/ عیون أخبار الرضا ج ۲ ص ۲۵۹.

[۱۳] الفقیه ج ۲ ص ۳۴۹ ح ۱۵۹۹/ یشاره المصطفی ص ۲۲/ أمالی الصدوق ص ۶۱ ح ۹/ ثواب الأعمال ص ۱۲۳ ح ۳/ التهذیب ج ۶ ص ۸۵ ح ۱۶۸ / عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۲۵۷ ح ۱۰.

[۱۴] الفقیه ج ۲ ص ۱۴۲ ح ۶۲۰.

[۱۵] الفقیه ج ۲ ص ۳۴۹ ح ۱۶۰۵/ أمال الصدوق ص ۱۰۴ ح ۵ / عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۲۵۸ ح ۱۷.

[۱۶] التهذیب ج ۶ ص ۹۷ ح ۱۷۷/ الفقیه ج ۲ ص ۶۱۱ ح ۳۲۱۳ / فرائد السمطین ج ۲ ص

۱۸۰ / عیون أخبار الرضا ج ۲ ص ۲۷۳ ح ۱.

[۱۷] اثبات الهداه ج ۶ ص ۲۱ ح ۴۵ / القطره من بحار مناقب النبی و العتره ج ۱ ص ۲۳۲ ح ۳.

[۱۸] مفاتیح الجنان، باب زیارت حضرت رضا علیه السلام، قسمت وداع با آن حضرت.

[۱۹] اشاره است به برخی آیات، من جمله: سوره ی مجادله آیه ی ۲۲.

[۲۰] عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۲۵۷ ح ۱۴/ الفقیه ج ۲ ص ۳۴۹ ح ۱۶۰۴ / وسایل الشیعه ج ۱۴ ح ۱۹۸۰۵ / أمالی الصدوق مجلس ۲۵ ح ۲/ من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۳۴۹ ح ۲۹.

[۲۱] بقره ۱۱۵.

[۲۲] عیون أخبار الرضا علیه السلام / القطره من بحار مناقب النبی و العتره علیهم السلام ج ۲ ص ۳۲۲ ح ۲۲.

[۲۳] الغیبه للطوسی / البرهان فی تفسیر القرآن ج ۲ ص ۱۲۳ / الغیبه للنعمانی ص ۹۶.

[۲۴] الغیبه للنعمانی ص ۸۶ البرهان فی تفسیر القرآن ذیل آیه ی شریفه / المحجه فی ما نزل فی القائم علیه السلام الحجه، للبحرانی.

[۲۵] البرهان / الغیبه للنعمانی ص ۸۷ / المحجه للبحرانی ذیل آیه.

[۲۶] اثبات الهداه ج ۶ ص ۱۰ ح ۱۸/ عیون أخبار الرضا علیه السلام للصدوق / الغیبه للطوسی / الکافی کتاب الحجه / الارشاد للمفید / کشف الغمه / أعلام الوری للطبرسی.

[۲۷] اثبات الهداه ج ۶ ص ۳۰ ح ۶۸.

[۲۸] من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۳۶۹ / التهذیب ج ۲ ص ۳۰ / المزار، لابن قولویه.

[۲۹] المزار، لابن قولویه / من لا یحضره الفقیه / مفاتیح الجنان باب زیارت امام رضا علیه السلام.

[۳۰] همان مدرک.

[۳۱] المجالس / الفقیه ج ۲ ص ۳۵۱ ح ۱۶۰۹ / عیون أخبار الرضا علیه السلام ج

۲ ص ۲۵۶ ح ۹ / أمالی الصدوق مجلس ۶۱ ح ۸.

[۳۲] عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۲۵۵ / التهذیب ج ۶ ص ۸۵ ح ۱۶۹ / کامل الزیارات ص ۳۰۴ / المقنعه للمفید رحمه الله ص ۷۴ / الفقیه ج ۲ ص ۳۵۰ ح ۱۶۰۶ / من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۳۵۰ ح ۳۱ / أمالی الصدوق مجلس ۲۵ ح ۹ / الخصال ص ۱۶۷ ح ۲۲۰.

[۳۳] اعلام الوری لفضل بن الحسن الطبرسی / اثبات الهداه باب ۲۴ فصل ۸ ح ۶۳.

[۳۴] عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۲۶۲ ح ۳۲ / وسائل الشیعه ج ۱۴ ح ۱۹۸۴۰ / أمالی الصدوق مجلس ۸۶ ح ۱۲.

[۳۵] همه ی عالم مظهر آیات الله اند؛ از ملائکه و انسانها و ... تا حیوانات و اشیاء؛ اما در میان آنها - به طور عقلی - مراتب و درجاتی بوده و برخی، همانند انسان، نسبت به مابقی، از درجه ی بالاتری برخوردارند «و لقد کرمنا بنی آدم»! بطور خلاصه باید گفت: آنچه که از روایات و ادعیه رسیده روشن می گردد، آن است که، محمد و آل محمد علیهم السلام، همان مظهر والای آیات الله و بلکه - همانند زیارت حضرت علی علیه السلام در مفاتیح الجنان - به عنوان آیات الله العظمی، معرفی گردیده اند!.

[۳۶] الفقیه ج ۲ ص ۳۴۹ ح ۱۶۰۲ / وسائل الشیعه ج ۱۴ ح ۱۹۸۱۰ / التهذیب ج ۶ ص ۱۰۹ ح ۱۹۲.

[۳۷] جهت روشن شدن مطلب، به آیه ی ۳۶ سوره ی توبه، در همین کتاب، مراجعه شود.

[۳۸] الکافی ج ۴ ص ۵۸۵

ح ۳/ وسائل الشیعه ج ۱۴ ح ۱۹۷۹۸ / مشابه: أمالی الصدوق مجلس ۲۵ ح ۷/

عيون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲ ص ۲۵۹ ح ۱۹.

[۳۹] الفقيه ج ۲ ص ۳۴۹ ح ۱۶۰۵ / أمالی الصدوق مجلس ۲۵ ح ۵ / عيون أخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۲۵۸ ح ۱۷.

[۴۰] عيون أخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۲۶۱ ح ۲۷/ وسائل الشيعه ج ۱۴ ح ۱۹۸۱۸.

[۴۱] المقنعه ص ۷۴/ وسايل الشيعه ج ۱۴ ح ۱۹۸۲۵.

[۴۲] الثاقب فی المناقب / القطره من بحار مناقب النبی و العتره علیهم السلام ج ۲ ص ۳۱۲ ح ۶.

[۴۳] عيون أخبار الرضا للصدوق / القطره ج ۲ ص ۳۱۸ ح ۱۶.

[۴۴] الکافی کتاب الحجه / البرهان ج ۴ ذيل آيات ۵۴ و ۵۵ قمر.

[۴۵] البرهان ذيل آيه ی شريفه / عن الشيخ أبی جعفر الطوسی رحمه الله من طريق المخالفين موفق بن احمد فی المناقب (اين حديث، نيز، از طريق اهل سنت، از جمله موفق بن احمد در کتاب المناقب، نقل شده است)!.

[۴۶] عيون أخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۲۶۴ ح ۳۴ / وسايل الشيعه ج ۱۴ ح ۱۹۸۱۹.

[۴۷] أمالی الصدوق مجلس ۲۵ ح ۱ / العيون ج ۲ ص ۲۵۵ ح ۳ / وسائل الشيعه ج ۱۴ ح ۱۹۸۰۳/ الفقيه ج ۲ ص ۳۴۹ ح ۱۶۰۰ / من لا يحضره الفقيه ج ۲ ص ۳۴۹ ح ۲۵ عن أبی عبدالله علیه السلام.

[۴۸] الفقيه ج ۲ ص ۳۵۰ ح ۱۶۰۷ / عيون أخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۲۵۹ ح ۱۸/ وسايل الشيعه ج ۱۴ ح ۱۹۸۰۷/ من لا يحضره الفقيه ج ۲ ص ۳۵۰ ح ۳۲/ اثبات الهداه ج ۶ باب فی النصوص علی امامه أبی الحسن الرضا علیه السلام ح ۱۹/ أمالی الصدوق مجلس ۲۵ ح ۸.

[۴۹]

الخصال للصدوق ص ۱۵۰ ح ۱۸۳.

[۵۰] ینـابیع الموده ج ۱ ص ۳۰۴ / تفسـیر العیاشی ج ۲ ص ۱۸/ دعائم الاسلام ج ۱ ص ۲۵ / ارشـاد القلوب ص ۲۹۸/ المناقب لابن شهر آشوب ج ۳ ص ۲۳۳.

[۵۱] الکافی ج ۱ ص ۱۸۶ ح ۵.

[۵۲] الکافی، کتاب الحجه باب فرض طاعه الائمه علیهم السلام ح ۳.

[۵۳] تفسیر القمی /الکافی ج ۱ ص ۱۸۷ ح ۱۱.

[۵۴] اثبات الهداه ج ۶ ص ۷۷ ح ۶۴ / العیون ج ۲ ص ۲۱۸ / بحارالانوار ج ۴۹ ص ۱۱۷.

[۵۵] البرهان ج ۲ ص ۱۶۰.

[۵۶] الکافی کتاب الحجه / البرهان.

[۵۷] تفسیر القمی / البرهان ذیل آیه.

[۵۸] البرهان فی تفسیر القرآن ذیل آیه.

[۵۹] البرهان ج ۲ ص ۱۵۸ ح ۲۱.

[۶۰] الکافی / البرهان فی تفسیر القرآن.

[۶۱] بقره ۱۴۳.

[۶۲] حج ۷۸.

[۶۳] الکافی کتاب الحجه ج ۱، ص ۱۹۰ ح ۲/ تفسیر القمی ذیل آیات، عن الباقر علیه السلام.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

